

رنجر

ارگان مرکزی حزب رنجبران ایران
دوره سوم

فروردین ۱۳۹۳ - شماره ۱۰۷
سال ۳۵

اخلال شیوه تفکر خرد بورژوائی در جنبش کارگری! صفحه ۲۲	ناکامی راس نظام در حل مسئله فلسطین به نفع صهیونیسم صفحه ۲۲	در جنبش جهانی کمونیستی صفحه ۲۲	به استقبال ۸ مارس روزهم بسته گی مبارزاتی زنان برویم! صفحه ۱۱	از نامه های از هر دری سخنی صفحه ۷
---	---	--------------------------------------	---	---

بهاران خجسته باد!

کارگران و زحمت کشان اسیر نظام سرمایه داری در ایران زنان و جوانان به بندکشیده شده توسط رژیم خون آشام ایران ملیتها و اقایتها ملی - مذهبی پیوسته مورد تحقیر و ستم در ایران بهار سال نو در راه است: با حرکت مشترک تمام گیاهان و درختان و گلها در ایران برای ساختن و پرداختن بهاری زیبا و زایا و آموزشی است طبیعی برای انسانها در تغییر دادن اوضاع. ورود به این سال نو را به همه ی شما عزیزان تبریک می گوئیم وسلامتی و موفقیت شما و خانواده محترمان را آرزومندیم.

در سالی که گذشت شما حتا برای یک لحظه از اذیت و آزار رژیم رها نبوده و لذا پرچم مبارزه را زمین نگذاشتید و در مبارزه ای نه بقیه در صفحه چهارم

حقوق با در صد تورم واقعی محاسبه شود، به مفهوم ثابت ماندن حقوق کارگران از سالی به سال دیگر است، عدم بهبود رفاهی آنان و برخلاف مصالح کارگران می باشد. به این دلیل است که دولت نه تنها بر فشارهای سیاسی به طبقه کارگر و فعالین آن افزود است، بلکه این فشار را در زمینه های اقتصادی نیز برای وادار کردن کارگران به تسليم ادامه می دهد.

اگر در نظر بگیریم که اکثریت بزرگی از کارگران و زحمت کشان، حقوق و مزدی به مراتب پائین تر از میزان خط فقر پیوسته تا به حال گرفته اند؛ اگر توجه داشته باشیم که هم اکنون در نشریات ایران اخباری در مرور پرداخت میلیونها تومن به آفا زاده هائی که کوچک ترین زحمتی در برخی از موسسات نمی کشند، پرداخت شده است؛ اگر در نظر بگیریم که بقیه در صفحه دوم

در آستانه ی سال نو، نوکران حلقه به گوش نظام سرمایه داری در قالب جمهوری اسلامی ایران در کمال بی شرمی و بدون داشتن کوچک ترین احساسی نسبت به خانواده های کارگری رنجور و در عسرت بعداز سر و صدایها در مرور تعذیبین حداقل مزد کارگران، با افزایش ۲۵٪ مزد سال پیش در شرایطی که تورم سالانه لوازم اصلی مورد نیاز خانواده ها چندین برابر این رقم بوده و حتا رئیس جمهور به هنگام گول زدن مردم برای کسب رای از تورم ۴۰٪ صحبت کرده بود، مزد حداقل ماهانه در سال جدید را ۶۰۸ هزارو اندی تومن تعیین کردند در حالی که سه برابر این رقم یعنی حدود دو میلیون تومن بنایه محاسبات بسیاری از دستگاههای معنبر در ایران، خط فقر را در خانواده های چهارنفری شهری معین می کنند.

این امر نشان می دهد که حتا اگر افزایش

پرده های فساد نخ نما شده!

گندیده گی رژیم اسلامی در شرایط بحران همه جانبی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی درجهان و در ایران روزبه روز آشکارتر شده و رژیم را چنان در مخصوصه ی بی آبرو شدن بیشتر و بیشتر گذاشته که سردمداران رژیم برای حفظ آبرو اجبارا ولی با تعلل زیاد شروع به فاسدیابی کرده اند. اگر قدری بیشتر در این ماجرا پیش بروند، به عیان ثابت خواهد شد که به مصدق "چون نیک بنگری، همه تزویرمی کند" و امکانی برای رهائی دامن خود از این فسادها را ندارند. اگر به سه نمونه زیر دقیقاً توجه کنیم، می بینیم در حالی که در ایران خون کارگران و زحمت کشان را مرتب در میدانهای کار و زحمت ریخته و نه تنها از دادن شندر غاز مزد آنها برای ماهها و سالها امتناع می ورزند، بلکه کارگران سر بلند مبارز را بی رحمانه به زیرشکنجه می برنند، بقیه در صفحه چهارم

تشدید تضاد بین دو قطب امپریالیستی!

در برابر یک دیگر برای حفظ و بسط حیطه ای نفوذ خود در گره ب بعداز گذشت امروز برکسی پوشیده نیست.

بدین ترتیب، حل نهائی بحران جهانی امپریالیستها بیش از پیش درنهایت متوجه طل رقابت بین دو قطب امپریالیستی شده است. اما به دلیل وضعیت کنونی ناشی از رشد آگاهی جهانی توده های کارگر و زحمت کش و در عین حال قدرت نظامی نابودکننده این دو قطب در رقابت، به آسانی نمی تواند به سطح جنگ بلا واسطه و مستقیم بین این دو قطب برسد، چون که خطر نابودی نظام سرمایه داری در هر دو طرف رقیب در جنگ جهانی سوم بسیار محتمل خواهد شد.

اگر به تاریخ چند صد ساله اخیر جهان رجوع کنیم استعمارکهن بر اساس داشتن کشتیهای جنگی توب پدار بیشتر بقیه در صفحه دوم این کشورها جهت خلاص شدن از بحران به خصوص توسط امپریالیستهای غربی لحظه ای قطع نمی شوند. ناشی از این وضع، رقابت‌های امپریالیستهای غرب و شرق

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



کشورشوروی سوسیالیستی در آن بود. دشمن ماهوی جدیدی که امپریالیستها پس از پایان جنگ جهانی اول برای نابودی آن از کلیه امکانات نظامی و خرابکاری درونی در آن استفاده کردند.

باریگر و با رشد تضادیین کشورهای امپریالیستی، آلمان، ژاپن و ایتالیا دریک قطب و انگلیس، فرانسه و آمریکا در قطب دیگر در مقابل هم قرارگرفتند. ولی با اشتباهی که نازیسم آلمان در تمرکز حمله به اتحادشوروی، و فاشیسم ژاپن در حمله به چین به جای درگیری اساسی با قطب امپریالیستی دیگر نمودند، نه تنها این دو دشمن عده بشریت در آن زمان توسط ارتشهای سرخ کارگران و دهقانان در شوروی و چین شکست خورده اند، بلکه نیمی از کشورهای اروپای شرقی به اردوگاه سوسیالیسم پیوستند و انقلاب چین نیز تحت رهبری کمونیستها بعداز بیرون راندن نیروهای تجاوزکار ژاپن انقلاب دموکراتیک نوین به پیروزی رسید و چین گذاریه سوسیالیسم را آغاز نمود. رشد مبارزات مسلحانه ضداستعماری نیز باعث شد تا بسیاری از کشورهای مستعمره قبل و بعد از جنگ جهانی دوم به استقلال برسند.

امپریالیستها متوجه شدند با توجه به رشد جنبش کارگری درجهان، بالارفتن سطح آگاهی توده ها و کمک کشورهای سوسیالیستی به جنبشهای رهانی بخش ملی این گونه رقابتها و جنگهای جهانی بیشتر از آن که به ازین بردن رقابت امپریالیستها بیانجامد در خدمت رهانی ملل جهان از سلطه ای امپریالیستها قرارگرفته و بین دو جنگ جهانی اول و دوم، دوسياست: «تخرب پژوهش سوسیالیسم از درون» و تسلیم به عوام فریبی های مدرن» عده تا سیاسی در لفافه «حمایت از حقوق بشر»، «دفاع از آزادیهای بدون قید و شرط»، «دفاع از پارلمان تاریسم»، «دفاع از حقوق ملی» و «اکنون زیر پا گذاشتن حق حاکمیت ملی» و غیره را در پیش گرفتند که خود به هیچ کدام از این دیدگاهها در داخل کشورهای امپریالیستی نیز پای بند نبوده و نیستند.

بدین ترتیب، با کمک به رشد دیدگاههای رویزیونیستی در کشورهای سوسیالیستی به ویژه توسعه قشر وسیع خرد بورژوازی و انجام کودتای قصری در شوروی توسعه دارو دسته خروش چف لانه کرده در سطح رهبری حزب کمونیست، زمینه برای احیای مجدد نظام سرمایه داری در آن و در دیگر کشورهای اردوگاه سوسیالیسم فراهم

پروری بکویم. برما نبخشید فتح و شادی - خدا نه شاه نه قهرمان؛ بادست خودگیریم آزادی - در پیکارهای بی امان.

پرتوان باد قدرت کارگران در وحدت سیاسی و تشکیلاتی آنان!
مرگ بر نظام سرمایه داری عامل اصلی بدختی های مان!
صدای اعتراضات را علیه فقیرترشدن مان درسال نو رساترسازیم!

حزب رنجبران ایران - ۲۴ اسفند ۱۳۹۲



تشدید تضاد... بقیه از صفحه اول

و با خیل کشیشهای مسیحی جهت «ارشد» مردم کشورهای مورد تجاوز واقع شده، جلوبرده شد. ولی این تجاوزات استعماری به حدی نرسیدند که کشوری نظری بریتانیا - علارغم ادعای پادشاهنش در غروب نکردن آفتاب در مستعمرات آن - بتواند با غلبه بر دیگر رقیای آن روز خود، کشورهای آسیا، آفریقا، آمریکا و اقیانوسیه را تماماً به زیرسلطه ای خویش درآورد. به طوری که کشور کوچکی نظیر پرتقال، سرزمینی به بزرگی بزرگ در شمال شرقی آمریکای جنوبی و آنگولا در آفریقا را تصرف کرد و کشور کوچک دیگری مثل هند، اندونزی را در جنوب شرقی آسیا به مستعمره خود تبدیل نمود. جنگهای بین استعمارگران رقیب، نظری جنگ رژیمهای سلطنتی بریتانیا و اسپانیا و غیره محدود ماندند. اما مبارزات ضد استعماری علیه متجاوزان، تدربیجا در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره شروع به رشد کردند.

بارش نظمهای سرمایه داری به مرحله ای امپریالیسم و به خصوص خصلت رشد ناموزون در این نظام که کشورهای مثل آلمان و ژاپن را وارد گود رقابت‌های انحصارات سرمایه داری نموده بود که به دنبال به دست آوردن مستعمرات جهت کسترش حیطه ای نفوذ خود در جهان بودند، به مثابه یک قطب در مقابل قطب دیگر که شامل انگلیس، فرانسه و روسیه تزاری و غیره می شد و رقابت آنان با یک دیگر، به جنگ جهانی اول منجر گردید که نتیجه اش بروزانقلاب در روسیه تزاری و تشکیل

بی اعتمانی رژیم... بقیه از صفحه اول

کارگران سربلند ایران بارها برای افزایش مزد و به مراتب بیشتر برای گرفتن مزدهای معوقه دست به اقسام مبارزات اعتراضی زده و گوش کر بر تراج و تخت اسلامی نشسته گان کوچک ترین توجهی به این خواستهای به حق کارگران و زحمت کشان نکرده اند؛ و... ضروری است فریادهای اعتراضی خود را علیه این ظلم و طمع کاری صاحبان ثروت و مقام که هیچ بونئی از عدل و داد نبرده اند، بلندتر و بلند کنیم و به کلیه خفته گان صفت گرسنه مان هشدار بدھیم که وقت آن رسیده است که کوچک ترین امیدی به حاکمان و سرمایه داران نداشته باشند و چون آفریننده گان نعمات مادی و معنوی جامعه هستیم سرنوشت تولید، سرنوشت نظام سیاسی، سرنوشت سازماندهی امور جامعه را خودمان که اکثریت بیش از ۹۰٪ جامعه هستیم به دست بگیریم و نظام استثمارگر و ستمگر سرمایه داری را برای همیشه به زباله دانی تاریخ بفرستیم.

وقت آن رسیده است که با کسب قدرت توسط خودمان هیچ خانواده کارگر و زحمت کشی گرسنه نماند؛ وقت آن رسیده است که هیچ نیروی کاری بیکار نماند؛ وقت آن رسیده است که هیچ کوکی از مدرسه محروم نماند و در خیابانها به کارنپرداخته و مورد تجاوز قرار نگیرد؛ وقت آن رسیده است که مادران، دختران و همسرانمان از تحقیر و تجاوز رژیم به حریم انسانی آنها رهایشوند؛ وقت آن رسیده است که تمامی ما از بیمه و درمان مجانی بهره مند شویم و به علت بی پولی عزیزانمان را از دست ندهیم؛ وقت آن رسیده است برای گذران زنده گی مان مجرور به فروش اعضای بدنمان نشویم؛ وقت آن رسیده است که ملیتها، معتقدان به مذاهب مختلف در زندانها شکنجه نشوند و شکنجه و شکنجه گران را به زباله دانی تاریخ بفرستیم؛ وقت آن رسیده است که هر کوکی بدون دغدغه پدر و مادر قادر به تحصیل مجانی تا مراحل عالی دانشگاهی باشد؛ وقت آن رسیده است که هنرمندان و نویسنده گان مان در زیرزمینها موسیقی نسازند و کتابهایشان در زیر سانسور اوباشان حاکم خاک نخورند؛ و... همه ای این آرزوها امروز قابل تحقق اند به شرطی که استثمارگر و ستمگر و مشتی دزد و فاسد نتایج زحمات ما بیش از ۹۰٪ ها ای جامعه را به تاراج نبرند.

بیانید به نیروی عظیم مان اعتمادکنیم و مشتلهای گره کرده مان را به سان پتکی بر سر رژیم خدمتگذار سرمایه و جهالت

ارتجاعی حاکم در کشورهای جهان سومی، در مقابل تجاوزگری امپریالیستی تسليم خواهند شد. مبارزه علیه این تسليم طلبان نیز در آن شرایط بی وقهه باید پیش برده شود. رهائی طبقه کارگر و زحمت کشان جهان از زیر استثمار و ظلم و ستم امپریالیستها و طبقات حاکم از جمله درکشورهای جهان سومی درگرو مبارزه رهائی بخش علیه این دو ضد انقلاب جهانی و داخلی می باشد.

تفسیر روز - رنجبر - ۱۲ اسفند ۱۳۹۲



با قدردانی از کمهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء و توده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشنی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

از سایت زبان های خارجی
(انگلیسی - آلمانی) حزب
رنجران ایران دیدن کنید!

http://www.ranjbaran.org/01_english

دخلالت آشکار در امور داخلی چین است. یا در پراوادای ۵ مارس ۲۰۱۴ می خوانیم: « غربیها نیاز به جنگ با روسیه دارند. تغییر قابل ملاحظه ای در بیان آمریکا علیه روسیه در چند روز اخیر صورت گرفته است ». در ابتداء با اوکراین، بعداز این که یانوکویچ رئیس جمهور آن در ۳ اسفند ۱۳۹۲ حوادث اخیر درکشور را کودتا خواند که مورد حمایت خاص امپریالیستهای غرب قرار گرفت و بزدلانه به جای مقاومت دربرابر کوتاچیان فاشیست، از کیف گریخت، پارلمان روسیه به خواست پوتین درمورد گسیل نیرو به شبه جزیره کریمه با بیش از ۶۰٪ جمعیت روسی، رای مثبت داد و در شرایطی که دولتهای آمریکا و اتحادیه اروپا به دفاع از مخالفان یانوکویچ برخاسته اند، یک نقطه جدید رقابت در جنوب روسیه بین دو قطب امپریالیستی در حال شکل گیری می باشد.

بنابر آن چه که گذشت در شرایطی که بحران اقتصادی تداوم می یابد و امپریالیستها اعتبار خود را بیش از پیش در میان وسیع ترین توده های مردم کشورهای خودی و دیگر کشورهای جهان از دست داده اند، سیاستهای گازگیری از هم بدون برانگیختن رقیب به عکس العمل شدید ازیک سو و برانگیختن ارجاعی ترین نیروهای کشورهای کشورها - به خصوص در مناطق زیرنفوذ رقیب توسط امپریالیستهای غرب با استفاده از تجارب شان نظیر «انقلابهای مخلی» جهت هموارکردن راه نفوذ شان در آن کشورها - ادامه می یابد. این که این تضاد تا چه حد می تواند رشد یابد تا جنگ جهانی سومی بین امپریالیستهای شرق و غرب اتفاق افتد هنوز قابل رویت نیست. ولی تحریک برای ایجاد جنگهای محدود کشوری کاملا ممکن می باشد. نایاب از نظر دورداشت که وزنه ای آسیا از نظر پتانسیل اقتصادی روز به روز سنگین تر می شود و غرب حاکمیت بلامنزاع چندساله اش را در جهان دارد به نفع رقیب از دست می دهد.

در چنین شرایطی، کمونیستها موظفند بدون فوت وقت در هر کشور متعدده، حزب واحد کمونیست را به وجود آورده و توده های کارگر و زحمت کش را به مخالفت و رو در روثی با جنگی به شدت خشن نواستعمرای و امپریالیستی آمده ساخته و مانع از آن شوند که تمامی کشورهای جهان مورد تاخت و تاز جدید امپریالیستها در قالبی «نسلی برای» قرار بگیرند. نایاب فراموش کرد که در صورت بروز چنین جنگی، نیروهای

شده امپریالیستها در جهان ضمن به کاربردن جنایت کارانه ترین و فاشیستی ترین جنگها، کودتا راه اندختن ها و اعمال تروریستی در جنگهای نظیر جنگ در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، سیاستهای نواستعمری خود را در قالب به ظاهر دفاع از دموکراسی پیش برندن. اکنون که رشد کشورهای جدید امپریالیستی تا دیروز سویا لیست (چین و روسیه) در شرایط گرفتاری امپریالیستها در بحران اقتصادی سختی، طبق قانون رشد نامزون نظام سرمایه داری وقدرت یابی روز افزون این کشورها، ادامه می یابد، در جریان آتش افروزی امپریالیستهای غربی در سوریه که منطقه زیرنفوذ رقبای جدید می باشد، روسیه و چین دربرابر دخلالت امپریالیستها در این کشورجهت جلوگیری از تلاش اینان در گسترش نفوذ خود در منطقه حساس زیر نفوذشان در خاورمیانه ایستادند. اما این قطب جدید امپریالیستی هنوز مهارت امپریالیستهای غرب را در به راه اندختن «انقلابهای مخلی» نظیر آن چه که در اوکراین رخ داده است، از جمله در حیطه ای نفوذ رقبای غربی خود هنوز نیافرته اند.

امپریالیستها و به ویژه امپریالیسم آمریکا رقابت خود را با چین و روسیه نه تنها با تقویت نیروهای نظامی خود در شرق آسیا، بلکه از طریق به راه اندازی «انقلابات نوع مخلی» با اجیرکردن افرادی ترین نیروهای مذهبی، ناسیونالیستها و فاشیستها و دست زدن به هرج و مرج و آشوبهای خیابانی ، که نمونه آن را این روزها در اوکراین و نزونه شاهد هستیم، پیش می برند.

ژنرال اودیرنو از فرماندهان هوائی آمریکا در منطقه شرق چین درگفت و گوئی با صدای آمریکا(۱۳۹۲/۱۲/۲) ابراز داشت که ارتش آمریکا همراه با متحдан خود ژاپون و کره جنوبی به پرواز هواییها در منطقه (دریای چین) ادامه داده است و خواست چین را برای برنامه ریزی قبلی پروازها با وزارت دفاع آن نادیده می گیرد. در این میان بسیاری در چین تمرکز نظمی و اقتصادی کاخ سفید در آسیا را کوششی برای مهار پکن و قدرت و نفوذ منطقه ای چین می بینند.

دالانی لاما روز جمعه ۲ اسفند به عنوان رهبر معنوی بنیادگر ایان بودائی تبت با باراک او باما دیدار کرد. چین هشدار داد که چنین ملاقاتی به طور جدی به رابطه این کشور با آمریکا لطفه خواهد زد و سخنگوی وزارت خارجه چین گفت این دیدار به معنای

برپاشده توسط کارگران و زحمت کشان بررسی شده و یکبار برای همیشه آنهایی را که هنوز به دروغهای سرهم بندی شده و صیقل یافته هزاران سالی دستگاه روحانیت حاکم باوردارند از خواب خرگوشی بیدارکنند که باور به افسانه های ساخته گی اینان نظیر ظهور "مهدی موعود و چاه جمکران" روزی برای برقراری عدالت، یا "به حساب و کتاب فاسدان و دزدان در آن دنیا رسیدن!" دروغهای محض و عظیمی بیش نیستند که نمونه مشابه آنها را سلطه گران مالک بر انسانهای کار و زحمت در تاریخ چندهزار ساله‌ی پسر به آنان حقه کرده اند تا بساط استثمارگری و ستم گری خود را تداوم بخشد و به قول معروف "مردم را به دنبال نخودسیا بفرستند"!! شورش علیه چنین نظامی ضدانسانی که یکی غرق در ناز و نعمت و دیگری گرفتار در فقر و ذلت می باشد، امری برق است.

نمونه اول: «توكی: جمهوری اسلامی دچار فساد سیستماتیک شده است/ نهادهای مسئول مبارزه با فساد مانند قوه قضائیه نیروی انتظامی، مجلس و بازرسی کل کشور خودشان پاک پاک نیستند احمد توکلی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با خبرگزاری فارس، با تبیین فساد سیاسی و جایگاه آن در کشور اظهار داشت: فساد سیاسی اصطلاحی است که از طرف کارگزاران حکومت به آن دامن زده می‌شود. بنابراین نقش اصلی مبارزه با آن بر دوش دولت است. در فساد مالی ممکن است یک تسهیلات گیرنده بر سر بانک کلاه بگذارد و فسادی رخ دهد. اما فساد سیاسی اعم از فساد مالی است.

فساد مردم را نسبت به حاکمیت بدین می‌کند توکلی در ادامه با بیان اینکه اگر ملاک تصمیم‌گیری منافع شخصی، تباری، قومی، گروهی، حزبی و یا خارجی باشد فساد آغاز می‌شود، گفت: در تخصیص منابع عمومی برخی از این فسادها را می‌بینید.

وی با بیان اینکه فساد کارایی اقتصاد را کاهش می‌دهد اظهار داشت: فساد نه تنها مانع اشتغال و تولید ملی است بلکه به دلیل اثرات سوء فرهنگی خود مردم را نسبت به حاکمیت بدین می‌کند. از این جهت هم سرمایه اجتماعی کاهش پیدا می‌کند و هم عوامل رشد اقتصادی تضعیف می‌شود.

نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: فساد مالی ضد عدالت است زیرا باعث می‌شود یک عده‌ای به ناحق درآمد کسب کنند و حقوق عده دیگر هم ضایع می‌شود.

در مبارزه مشترک علیه نظام طبقاتی مالکیت خصوصی سرمایه دارانه را برای شما عزیزان خواستاریم و از صمیم قلب در این دوره ف quo فلاکت، به شما و خانواده‌های عزیزان روحیه ای عصیان گر و قدرت پایداری پردوامی را آرزومندیم!

نو روزتان پیروز و هر روزتان نوروزباد!

مرگ بر رژیم ضدکارگر و نوکر سرمایه جمهوری اسلامی ایران!

پیش به سوی تشکل یابی و تحقق انقلاب و سوسیالیسم، تنها راه رهانی مان!

آینده در خشان است و راه پر پیج و خم، از سختیها و مرگ نهار ایم!

زنده با دطبقه کارگر سازنده اصلی نعمات مادی و معنوی درجهان و در ایران!

حزب رنجبران ایران ۱۳۹۲ اسفند ۲۰.



پرده های فساد... بقیه از صفحه اول

دست کثیف‌شان برای دزدی باز است و میلیاردها تoman از اموال عموم مردم را بالا کشیده و به خارج از کشور منتقل می‌نمایند. این اعمال بالائیها در دستگاه دولتی نشان می‌دهند که مذهب به وسیله‌ی تحقیق کننده مردم در دست حاکمان نظام سرمایه داری است و با استفاده از آن بهشت برینی را برای خانواده‌های خود فراهم نموده اند و جهنم مخوفی را نیز برای بیش از ۹۹٪ مردم ساخته اند. پاک کردن ساحت ایران از این فساد درگرو برانداختن این نظام از ریشه و بنیاد است و نه امید بستن به "اصلاح طلبان"، "اعتدال گرایان" و "افراتیلان" نوکر سرمایه داری مذهبی ویا سکولار!

وقت آن رسیده است که با شعار "از کجا آورده ای؟!"، دارائی تمامی آیت الله ها، حجت الاسلامها و فرزندان و خویشاوندانشان هم راه با دیگر میلیاردرها دردادگاههای

بهاران خجسته باد بقیه از صفحه اول

چندان متحد ولی جانانه، عزیزان زیادی را در راه رهانی و آزادی تان از دست دادید و سربلند وارد سال جدید می‌شوید. به این همه فدایکاری و جانبازی تان درود می‌فرستیم و سرتتعظیم فرود می‌آوریم، با این امید که در سال نو مغزها و قلبها، دستان و پاهایمان متمنک و متخد برای رهانی از این همه ظلم و ستم و تحفیر، حرکت فکری و عملی نو تاریخ سازی را شروع کنند. به این اعتبار فرا رسیدن عین‌نوروز و سال نو را به همه شما عزیزان علارغم ف quo فلاکت خانواده هایتان تبریک گفته و خود را در غم و شادی تان شریک می‌دانیم. سلامتی، همت والا، قاطعیت در دورانداختن تفرقه طلبان و حرکت درزیر پرچم والا "کارگران متحد همه چیز و کارگران متفرق هیچ چیزند"! را برای خیل عظیم کارگران و زحمت کشان آرزو می‌کنیم.

رفقا و دوستان کارگر و زحمت کش!

زنان و جوانان به بندکشیده شده!

نظام هارسرمایه داری درجهان و در ایران نه تنها از مکیدن خون شما در میدان استثمارگری سیراب نمی‌شود، بلکه در این حرکت دیوانه وارش در سوء استفاده از طبیعت، تجاوز به آن را به جائی رسانده که برای انسانها از جمله استفاده از هوا و آب سالم را به شدت محدود نموده است. سکوت در مقابل نظام سرمایه داری در ایران چیری جز پذیرش مرگ تدریجی خود، خانواده و آینده فرزندان مان نمی‌باشد.

برای گذر از این وضعیت وحشت‌ناک که در آن امضای اعدام انسانها و به خصوص جوانان، راحت تر از اندیشیدن به زنده گی اسفبار آنان شده و به دست مشتی قاضی رذل، عقده ای و پول پرست نشسته در مقام قضاؤت و با دستور از بالا صورت می‌گیرد، راهی جز مقاومت سرخستانه و به زیرکشیدن این جرثومه‌های فساد نوکر نظام سرمایه داری باقی نمانده است.

پس سال نو را با روحیه مبارزه جویانه‌ی تازه ای درجهت تغییردادن وضعیت ایران و جهان آغاز کنیم. متحدا مبارزه مان را بیش ببریم و درنهایت فدایکاری و بدون هراس از قربانی دادنها، آینده‌ی بهتری را برای فرزندان خود بسازیم. ما نیروی بی کرانی هستیم به شرط آن که متحدشده و برای امر عادلانه انقلابی حق زنده گی آزادانه و مرفعه خانواده‌های مان در کارمشترک تولیدی و خدماتی به دست خودمان تلاش کنیم.

سال نو مملو از سلامتی و پیروزی

درگرداب بحران جهانی، تضاد امپریالیستها تشدید می‌شود!

قاضی محسن افتخاری سرپرست دادگاههای کیفری استان تهران در این باره گفت: با تحقیق از مه آفریدن ای دو نماینده بیزودی صادر خواهد شد.» (تاریخ مطلب: چهاردهم اسفند ۱۳۹۲) نمونه سوم: «نماینده مجلس: کشف بابک زنجانی های جدید

روزنامه فرهیختگان: دولتی که از ابتدای روی کار آمدنش به فهرستی از مفسدان اقتصادی اشاره می کرد که در جیب دارد، دیگر رفته است. اما حالا هر روز فهرستی از فسادهای مالی جدید و گسترده منتشر می شود. اختلاس سه هزار میلیاردی در دولت گذشته اگرچه شوک بزرگی به جامعه وارد کرد اما نه تنها استغای هیچ مسئول اقتصادی دولت احمدی نژاد را به دنبال نداشت بلکه استیضاح حسینی، وزیر اقتصاد دولت دهم هم به انجام نرسید؛ چراکه سه هزار میلیارد رقم بزرگی در برابر فسادهای برملای شده بعدی نبود. بابک زنجانی و ارقام ۹ تا ۱۲ هزار میلیارد تومانی، حق ماموریت های کلان و ماجراهای تامین اجتماعی و پرونده سعید مرتضوی هر روز برگ دیگری بر پروندهای فساد مالی می افزود. حوزه انرژی و فروش نفت هم از دیگر حوزه های کلانی بود که فسادهای مالی بزرگی در آنجا رقم خورد. تحقیق و تفحص از وزارت نفت در مجلس همین موارد را دنبال می کند؛ با این حال علاوه بر آن تفحص دیگری هم از شرکت ملی نفت در مجلس کلید خورد تا چگونگی فروش نفت را در دولت گذشته بررسی کند.

هر دو تفحص در فروش نفت به هم گره خورده است

امیرعباس سلطانی، عضو کمیسیون انرژی مجلس به فرهیختگان می گوید تفحص از وزارت نفت دولت احمدی نژاد به دلیل بررسی بحث بودجه مدتی تعطیل شده بود که با پایان یافتن بحث بودجه، موضوع تفحص از یکشنبه آینده دوباره در دستور کار کمیسیون قرار خواهد گرفت. سلطانی علت طولانی شدن تفحص از وزارت نفت را استعلامهای مورد نیاز برای این موضوع می داند و می گوید: لازم بود از کسانی که در ارتباط با تخلفات وزارت نفت اطلاعاتی داشتند، استعلام شود. همچنین از بانک ها، سازمان بازرگانی و دیوان محاسبات استعلام شده است که به مزودی نتیجه آن مشخص می شود. این عضو کمیسیون انرژی در مورد تحقیق و تفحصی که مهدی موسوی نژاد، نماینده مردم دشتستان از شرکت ملی نفت کلید زده است، تاکید می کند: این دو

که به سیستم نفوذ کنند ولی موقف نمی شوند.

توکلی در ادامه با بیان اینکه دولت هاشمی رفسنجانی به توقعات مصرفی مردم دامن زد، اضافه کرد: آقای هاشمی کلا روحیه شان تجملگرای بود و معتقد بودند که اصرار به سادگی نشانه عوام بودن است و حتی در نماز جمعه خواستار حمایت از مانور تحمل شدند. واکنش به بازگشت احمدی نژاد: پناه بر خدا توکلی در پایان در پاسخ به این سوال که به نظر شما احمدی نژاد به عرصه سیاست باز خواهد گشت تنها به گفتن این جمله اتفاقاً کرد که پناه بر خدا.» (بیک ایران - ۲۰ اسفند ۱۳۹۲) نمونه دوم: «آخرین وضعیت نماینده مجلس

متهم در پرونده فساد بزرگ

به گزارش خبرنگار مهر، نخستین بار دادستان کل کشور در تاریخ ۱۸ آبان سال ۹۰ به موضوع نقش برخی نماینده مجلس هشتم در پرونده فساد سه هزار میلیارد اشاره کرد و گفت: برخی نماینده مجلس هشتم درباره این پرونده احضار شدند که به عنوان متهم با سپردن و ثیقه آزاد هستند.

محسنی ازه ای در آن نشست اشاره ای به تعداد این نمایندهان نداشت تا اینکه ۴۱ روز بعد در جمع خبرنگاران گفت که ۴ نفر از نمایندهان مجلس به عنوان مطلع و متهم به دادگاه احضار شده اند اما هیچ نماینده ای در خصوص پرونده بزرگ فساد مالی بازداشت نشده است.

وی در پاسخ به اینکه گفته می شود برخی

از نمایندهان مجلس به افرادی که در پرونده فساد بزرگ مالی دست داشته اند برگه سفید امضا داده اند اظهار داشت: اگر نماینده ای با دادن برگه های سفید امضا کمک به تسهیل اقدام مجرمانه ای کند ما آن را بررسی و به عنوان جرم تلقی می کنیم.

آقازاده ها چه کاره بودند؟

بعد از تایید نقش نمایندهان در پرونده، این بار نوبت نام بردن از فرزندان آنها و نقش شان در شرکتهای مه آفرید بود. آقازاده هایی که ادعا می شد به عنوان مدیر عامل برخی شرکتهای وابسته به گروه مه آفرید فعالیت می کردند و بدون اینکه فعلیت اقتصادی داشته باشند حقوقهای چند میلیونی می گرفتند.

محاکمه در دادگاه کیفری

سرانجام سه نماینده در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران و به ریاست قاضی

مendir خراسانی محاکمه شدند.

قضات دادگاه کیفری استان تهران پس از رسیدگی به این پرونده دو نماینده را محکوم و سومین نماینده مجلس را تبرئه کردند.

ایراد دیوان عالی کشور به رای

▶ فشار نزدیکان دولت برای افشاء نشدن فساد در پتروشیمی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با تائید خبر فشار برخی نزدیکان دولت برای افشا نشدن فساد در پتروشیمی ها اظهار کرد: متأسفانه در لایه های دولت بستر هایی برای ویژه مخواری ها وجود دارد. سیاست های اقتصادی بعد از جنگ؛ دليل ظهور بابک زنجانی "ها"

ریس مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در مجلس هفتم، هشتم با تأکید بر اینکه نگاه بعد از جنگ در سیاست های اقتصادی کشور اثر گذاشت، گفت: در این سال ها مدل ترجیح داده شد که زمینه ساز مسائل امروز است مخصوصاً در کشور های جهان سوم که ابزار های نظارتی وجود ندارد. این مدل، مدل نوکلasisیک است که اصطالت را به کار آیی می دهد.

وی با بیان اینکه کشور های غربی در زمینه برخورد با فساد بیشتر از نحله های فکری داخلی حساس هستند، بیان کرد: ما حتی به اندازه آنها به لوازم ارزشی کار حساس نیستیم، در مورد آقای بابک زنجانی می گفتند چند هزار کارگر دارد و کارآفرین است در حالی که پیشرفت کارآفرینی شفافیت و فعدان فساد در اقتصاد است.

حمایت رئیس دولت قبل از یقه سفیدها (افراد بلند پایه ای که از موقعیت و مقام خود برای بدست ثروت سویه استفاده می کنند) توکلی با اشاره به موضوع یقمه سفیدها ادامه داد: متأسفانه رئیس دولت قبل خواسته یا ناخواسته از برخی افراد فاسد و متهم حمایت می کرد از جمله افرادی که احمدی نژاد از آنها حمایت می کرد می توان به معافون اولش، رئیس سازمان تأمین اجتماعی و رئیس سازمان میراث فرهنگی اشاره کرد که اینها بخواهیم از این افراد نام ببریم لیست بلندی می شود. نهادهای مسئول مبارزه با فساد به

درجاتی از فساد آلوده شده اند

این نماینده مجلس در تشریح فساد سیستماتیک در کشور تصریح کرد: فساد سیستماتیک به مرحله ای از فساد اطلاق می شود که نهادهای مسئول مبارزه با فساد خودشان به درجاتی از فساد مبتلا هستند مثل قوه قضائیه، نیروی انتظامی، مجلس، بازاری کل کشور، به عبارتی پاک پاک نیستند. وی افزود: زمانی که به یک نماینده مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می شود تا او در کمیسیون انرژی پیشنهادی را مطرح نکند و آن نماینده مخالف خواسته آنها عمل می کند چنین چیزی ممکن است. آنها تلاش می کنند



از نامه های رسیده

قادر نشد رهبری فکری درستی را سازمان بدده و کسانی از دل رژیم تحت عنوان جنبش سبز سعی در به دست گرفتن خواسته های این جنبش تحت لوای تفکرات خود نمودند . خوشبختانه بعد از چپ و راست زدن نیروهای سیاسی، بویژه تعادی از سازمان های طرفدار طبقه کارگر، توانستند در یک مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی روند برخورد به این جنبش ها و اعتراضات را روشن کنند . اما در رشد جنبش های اجتماعی و تقابلات طبقاتی نظرات کهنه را نمایندگان آنها می توانند مجدداً به روی صحنۀ مبارزات توده بکشانند و در صورتیکه نسبت به آن آگاهی وجود نداشته باشد حتی به هژمونی فکری هم تبدیل کنند . به همین دلیل هیچ تضمینی که جمع بندی از گذشته همیشه می تواند حل کننده مسائل باشد نیست مگر اینکه این جمع بندی ها بطور دائم در شرایط مشخص با توجه به شرایط جدید مورد آزمایش در عمل قرار بگیرد .

اعتراضات چند روز گذشته که سریعاً گسترش پیدا کرد و ظاهرا هم در اعتراض به توهین به بختیاری ها و تخطّه تاریخ و دستکاری در آن به نفع اسلامیون در جنبش مشروطیت است همچون در اوایل اعتراضات ۸۸ دارای خواسته خیلی مشخصی نبود ولی ناشی از فشار عظیمی که رژیم اسلامی بر مردم ایران در عرصه های مختلف سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی و غیره وارد می کند کاملاً قابل فهم است . این رژیم هیچ راهی برای اعتراض علیه خود به جز آمدن به خیابان ها نگذاشته است . اما اینکه در سال ۸۸ کسانی مانند کروبی و موسوی خود را رهبر آن و نیز جنبش اعتراضی را سبز اعلام کرند و در اعتراضات کنونی خواسته مرکزی دفاع از ایل بختیاری است نشان آنست که هنوز اعتراضات و جنبش های گوناگون توده ای نتوانسته اند رهبران فکری خود را پیدا کنند . در عدم وجود یک رهبری منجمس فکری و مترقبی و رادیکال روشن است که دیگران و اندیشه های عقب مانده می توانند و توانسته اند خود را به پرچم اعتراض تبدیل کنند . واقعیت این است که بزرگ شدن مسئله بختیاری ها (که در جنبش مشروطیت به مثابه یکی از عشایر بزرگ و قدرمند نقش داشت) خود می تواند یک خط‌گمراه کننده در اعتراضات باشد که نتایج آن به رشد تمایلات عشیرتی و کاست ایستی و تعصبات گروهی بیانجامد . آنچنان مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زیادی در جامعه ایران برای اعتراض به حاکمیت اسلامی در عرصه های مختلف وجود

تفحص در برخی نقاط به هم گردد خورده که یکی از آنها بحث فروش نفت است . علاوه بر آن رد پای بابک زنجانی به عنوان مرد جاویدان در همه تخلفات، در این دو تفحص نیز دیده می شود .

نفت را به چند فرد حقیقی فروخته بودند سیدمهدي موسوی نژاد، طراح تحقیق و تفحص از شرکت ملی نفت هم در گفت و گویی با فرهیختگان می گوید: محورهای این تفحص استفاده نکردن از نیروهای بومی در مناطق نفت خیز، استفاده نکردن از مدیران بومی برای این مناطق، ابهام در فروش نفت و اجرا نکردن و پایان نیافتن فازهای پارس جنوبی است . موسوی نژاد معتقد است که ابهامات موجود در پرونده شرکت ملی نفت همچنان پابرجاست . این تحقیق و تفحص از بحث فروش نفت فراتر می رود اما هنوز پاسخ شفاف به ابهامات ما در مورد فروش نفت داده نشده است . طراح تحقیق و تفحص از شرکت ملی نفت می گوید: از جمله تخلفات در دولت گذشته این بود که از طریق دریای خزر نفت خریداری می شد اما وقتی ما خودمان کشور نفت خیزی هستیم، سوآپ نقی معنا ندارد . در حالی که این کار منوع بود . این در شرایطی است که ما خودمان برای فروش نفت به دلیل تحریمها با مشکل تضادهای بسیار عمیق بین حاکمان و توده چنین تظاهراتی در ایران رخ داده است که برخی از آنها ابعاد خیلی گسترده پیدا کرده و برخی بصورت محدود عمل کرده اند . زمینه های اجتماعی این تظاهرات و اعتراضات دوره ای بصورت توده ای و گسترده آن به در آمده که آمده است تحت شعارها و بهانه های کارگر و زحمتکش بر می گردد . این واقعیتی است که ایران به مانند بشکه باروتی در آنها فروخته شده بود که ما احزاب سیاسی و سرکوب های وسیع فکری و فیزیکی ، بحران های اجتماعی عموماً یا از رهبری فکری منسجم برخوردار نیستند و یا خواسته های شان بسیار پرآگماتیستی و سطحی گرایانه است . در بسیار موارد هم انفاق افتاده است که جنبش با شعارها و خواسته های سطحی شروع شده است و در پروسه رشد خود به دست آوردهای فکری با شعارهای روشن تری رسیده است . مجموعه ای از این عوامل در همه خواسته های چندین دهه گذشته در ایران مستقر بوده است شرایط اجتماعی و بطور اساسی سطح رشد و انسجام جنبش های کارگری - کمونیستی، سمت گیری و نحوه رشد این جنبش ها و اعتراضات را تعیین می کند . مثلاً در جریان انتخابات سال ۱۳۸۸ ریاست جمهوری ، اعتراضات توده ای در نبود شعارها و درخواست های روشن با شعار رای من کجاست شروع شد، ولی در عین اینکه قادر شدبه شعار های روشنی مانند آزادی زندانیان سیاسی و غیره برسد اما به لحاظ رهبری

[بازار! - رنجر]



قوانین جدید در حوزه رانندگی از کاهش آمار تصادفات و مرگ و میر ناشی از آن در سال های اخیر خبر داد.

سید محمدحسن ابوترابی فرد شب گذشته (شنبه ۱۰ اسفندماه) در برنامه سفربخاری شبکه ۳ سیما در خصوص وضعیت رانندگی کشور و قوانین مرتبط با این حوزه گفت: براساس آماری که دریافت کرده ایم در طول ۳۰ سال گذشته بیش از ۷۰۰ هزار نفر در تصادفات جان باختن داشته است که این به معنای آن است که باید به یک تجدیدنظر جدی در رانندگی خود برسیم.

ابوترابی فرد با بیان اینکه آمار ۷۰۰ هزار کشته به معنی ساقط شدن ۲۰۰ هزار خانواده از زندگی است و حتی بعضاً برخی از خانواده ها تمامی اعضای خانواده از بین رفته اند. نایب رئیس مجلس نهم با بیان اینکه تعداد کشته ها و مصدومان در تصادفات رانندگی کشور ما بعضاً تا دو برابر کشورهای همسایه ماست که تعداد خودروهای آنها با خودروهای کشور ما برابر است به نحوه رانندگی در کشور های جنوب شرق آسیا اشاره کرد و گفت: فاصله ما با کشورهای جنوب شرق آسیا بسیار زیاد است و تعداد کشته ها و مصدومان سانحه های رانندگی در کشور ما تا ۲۵ برابر این کشور هاست. (اینه روز - ۱۱ اسفند ۱۳۹۹) [آمار فوق نشانی است از ورشکسته گی رژیم جمهوری اسلامی ایران در ۳۰ سال اخیر و ناتوانی اش در حل این مشکل نه چندان سخت! رنجبر]

نابود کردن ۱۰۰ هزار هکتار جنگل در سال!

ایرنا - مشاور پژوهشی و فناوری ریس مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: سالانه ۱۰۰ هزار هکتار جنگل در کشور از بین می رود که اگر به همین روال ادامه پاید قطعاً جبران آن ممکن نخواهد بود.

به گزارش خبرنگار علمی ایرنا ، مجيد عباسپور روز یکشنبه در نوزدهمین همایش ملی انجمن متخصصان محیط زیست ایران و نهمین جشنواره توسعه سبز در دانشگاه صنعتی شریف اظهار داشت : وضعیت زیست محیطی کشور ما مناسب نیست. رتبه زیست محیطی ایران در ۱۰ سال گذشته تاکنون از جایگاه ۵۶ جهانی به ۱۳۴ تنزل یافته است که امیدوارم که با رویکرد جدید دولت یازدهم این رتبه معکوس شود.

وی ادامه داد: امروز کشور با چالش های زیست محیط زیادی مانند خشک شدن

توهین به یک ایل کاهش دهد، می تواند با نرمش پذیری خاص خود با آن کنار بیاید . اما در همین زمان دهها فعال کارگری بدون هیچ نرمش پذیری از طرف رژیم در زندان ها با سخترين شرایط اما با درخواست های روشن ، مترقب و عدالت جویانه می مانند اما حاضر به تن دادن به سازش های فکری - طبقاتی با رژیم سرمایه داری ایران نیستند . به این دلیل ما در عین اینکه از حرکت مردم رژیم اسلامی ، دفاع می کنیم اما بطور دائم این را توضیح می دهیم که این دفاع ما دفاع از حق اعتراض و مبارزه علیه ستم و استثمار مردم علیه یک رژیم خودکامه است که ما این را از مسئله ایل بختیاری و مناسبات گذشته عشيرتی آن جدا خواهیم کرد . تظاهرات اخیر و گسترش سریع آن نشانی از وحدت درونی مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی است و این وحدت درونی در نفرت از رژیمی شکل گرفته است که باعث تمام مشکلات و بدبختی های سی سال گذشته در جامعه ما بوده است . ناشی از حضور طولانی مدت استبداد یکی از مشکلات کنونی طبقه کارگر فقدان تشكیل واحد سیاسی پیش رو آن و جدا بودن سازمان های چپ از جامعه و طبقه کارگر در ابعاد توهه ای آن است . در چنین وضعی طبیعی است که جنبش های اعتراضی توسط طبقات غیرپرولتری مصادره شوند. به این ضعف باید نقطه پایانی گذاشته شود .

غ.ع. - اسفند ۱۳۹۲

دارد که بازگشت به موضوع بختیاری ها یک عقب گرائی در درخواست های اجتماعی است . مناسبات عشيرتی در ایران اگر نگویی کامل و لی بطور اساسی از بین رفته است . در کف خیابان ها پرچم بختیاری برداشتن قلب خواسته های واقعی خواسته های عینی و مادی وسیعترین توهه های رحمتکش ماست . رژیم اسلامی از روز به قدرت رسیدنش بطور مستقیم حیثیت و شرافت انسانی را مورد بورش قرار داده است و همه خواسته های حتی طبیعی انسان عصر کنونی را به بند کشیده است . حاکمیت مذهبی در طی این مدت بغیر از اعوان و عناصرش حقوق تمام اقسام دیگر اجتماعی را مورد توهین ، زنان ، کودکان ، کارگران ، و روشنفکران و دانشجویان ، در موضوعات مختلف اجتماعی و نقض حقوق فردی بی امان ادامه داشته و رژیم اسلامی هیچ مزرو حدی نمی شناسد . این تحقیر دائمی که گاهها به سرخورده و ناامیدی و نتیجتاً باعث رشد مواد مخدو و صدها مشکل روانی و مادی اجتماعی شده است آن پایه های عینی است که اعتراضات اخیر را بوجود آورده است . در صورتیکه این اعتراضات با درخواست روشن خود در خیابان مطرح شوند، توهه های بیشتری را به مبارزه جلب خواهند کرد . وقتی چنین درخواست های روشنی وجود دارد چرا باید مسئله بختیاری ها عمدگی پیدا کند . انسانی که بطور روزمره مورد توهین است نمی تواند به تحقیر و توهین های خود بی اعتنا ولی به یک توهین تاریخی گذشته حساس باشد، مگر آنکه یک اشکال فکری در بیان اعتراض و جنبش های اجتماعی موجود باشد .

در یک اعتراض اجتماعی موضوعات مختلف از طرف عناصر گوناگون وابسته به طبقات مختلف به مثابه پرچم و درخواست اعتراضات به جلو رانده می شوند که بسیاری از آنان در نفس خود نادرستند. در یک هفته گذشته هم که این اعتراضات جریان داشت ، سعی شد که مسئله بختیاری ها و دفاع از تاریخ و عملکرد آنها در جنبش مشروطیت به یک پرچم تبدیل شود . رشد تعلق گرایی عشيرتی- ایلی از آن نکاتی که حتی در تاریخ تحولات اجتماعی گذشته در بین طبقات اجتماعی و خواسته های مترقب و ارتقا یابی که بصورت سیال عمل کرده است همیشه ضربات مهلکی به جنبش های اجتماعی مازده است . اتفاقاً اگر رژیم بتواند خواسته های جنبش اعتراضی را به سطح

از هر دری، سخنی!

خلاصه ای از مقالاتی که در زیر می آید جهت دادن عطف توجه خواننده گان عزیز رنجبر به نظرات دیگران است و ضرورتاً این نظرات مواضع رسمی حزب نمی باشند. هیئت تحریریه

۷۰۰ هزار کشته در راننده گی در ۳۰ سال!

خبر آنلاین.خانه ملت نوشت: نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به تدوین



جامعه می شود.»

وی ادامه داد: «به عبارت دیگر وقتی همبستگی اجتماعی فرد ضعیف شود و احساس پوچی کند احتمال خودکشی وی بالا می رود.» وی ادامه داد: «بعد از دورکیم جامعه شناسان و روان شناسان دیگری بر روی خودکشی کار کردن و عنوان کردن عوامل سیاسی، اقتصادی، دینی و پیوستگی اجتماعی در بروز خودکشی موثر است.» وی افزود: «به طور مثل جنگ میزان خودکشی را کاهش می دهد؛ چون در زمان جنگ همبستگی اجتماعی بالا می رود. یا زمانی که اقتصاد نابسامان باشد همچون دوران رکود اقتصادی در آمریکا (۱۹۲۹-۱۹۳۳) میزان خودکشی بالا می رود.» قرایی مقدم در پاسخ به این سوال که چرا میزان خودکشی در رده سنی ۱۸ تا ۲۴ سال بیشتر است؟، گفت: «این موضوع به دلیل ایجاد آنومی در جامعه است. از سوی دیگر در حال حاضر در جامعه ایران افراد در این سن هنوز ازدواج نکرند و لذا نخ ارتباطی برای پیوستگی ندارند؛ به همین دلیل افراد متاهل کمتر از افراد مجرد به سمت خودکشی می روند.»

وی ادامه داد: «علاوه بر این جامعه دچار آنومی است و ارزش ها و هنجارهای فرهنگی فرو ریخته است. اکنون جوانان نسبت به آینده نالمید هستند و امیدی به ازدواج، شغل، مسکن و .. ندارند و شادی و نشاط هم در جامعه وجود ندارد که باعث می شود جوانان بیشتر در معرض خودکشی قرار بگیرند.» (همانجا - ۹ اسفند ۱۳۹۲)

جان انسان ارزانتر از بهای یک قناری

به گزارش «تابناک»، نخستین روز آخرین ماه سال برای اهالی پابدانای سیاماتر از همیشه بود؛ سیاه از این رونمایی که بیشتر اهالی این شهر کوچک در شمال کرمان، از زغال سنگ امراض معاش می کنند و سیاماتر به این دلیل که سه تن از معدن چیان در آن روز جان باختند.

در آغاز

انفجار پیش از ظهر پنجه شنبه در معدن «چشم پودنه» پابدا، سه کشته بر جای گذاشت و پنج کارگر را با سرنوشت دردناکی مواجه کرد. این حادثه به دلیل تجمع گاز در معدن رخ داد و سه کارگر را به کام مرگ کشاند و شمار دیگری را راهی بیمارستان کرد؛ مجروه حانی که در میان ایشان هستند کسانی که سوختگی ۷۰ درصدی دارند و اطلاعی از سرنوشت ایشان در دست نیست. در این معدن کارگران در سه

شناختی است و یک علت واحد ندارد.» وی افزود: «لذا خودکشی یک بیماری بسیار متنوعی است و محدوده آن هم خیلی وسیع است و از افرادی که احساس پوچی و نالیدی دارند تا فردی که ناگهان دچار بیماری غدد می شود در معرض خودکشی قرار دارند.»

مکری در پاسخ به این سوال که دلیل افزایش خودکشی نسبت به سال قبل چیست؟، گفت: «اگرچه قطعی نمی توان ابراز کرد اما به احتمال زیاد دو عامل می تواند در این باره نقش داشته باشد.»:

«عامل اول تشدید مسئله مواد مخدر است، چراکه خودکشی ارتباط تنگاتنگی با مصرف الکل و مواد مخدر دارد. لذا در هر جامعه ای که مصرف مواد مخدر بالا برود احتمال خودکشی افزایش پیدا می کند.»

«عامل دوم استرس های اخیر می باشد که منظور استرس های سه ماه گذشته است که معمولاً استرس شغلی، مالی و اقتصادی افراد را در کوتاه مدت مستعد خودکشی می کند.» «بنابراین در آن شرایط بحران اگر فرد از سیستم درمانی و حمایتی برخوردار شود آن بحران را به خیر می گذراند.»

وی افزود: «به همین دلیل گفته می شود وقتی در دوران فقر و رکود اقتصادی میزان خودکشی بالا می رود لزوماً به این دلیل نیست که افراد به دلیل فقر خود را می کشند؛ بلکه به این دلیل است که بودجه های سیستم های مددکاری و روانپزشکی کاهش پیدا می کند و باعث می شود افراد رها شوند و به سمت خودکشی بروند.»

این روانپزشک تصویح کرد: «بنابراین مداخلات اورژانسی در این گونه موقع خیلی مهم است و اینکه در شرایط اضطراری بتوان سیستم حمایتی کوتاه مدتی عرضه کرد.»

جامعه دچار آنومی است

اما دکتر امان الله قرایی مقدم جامعه شناس و استاد دانشگاه در **گفتگو با فرارو** گفت: «افزایش میزان خودکشی در جامعه قابل پیش بینی بود چراکه جامعه دچار فرو ریختگی فرهنگی و آنومی شده است؛ یعنی ارزش ها و هنجارهای فرهنگی جامعه خرد شده است.»

این جامعه شناس اظهار کرد: «به لحاظ جامعه شناسی و طبق آنچه دورکیم در سال ۱۸۹۴ بررسی کرد سه عامل در بروز خودکشی مهم است. طبق بررسی دورکیم همبستگی خودخواهانه، همبستگی دیگر خواهانه و آنومی باعث افزایش خودکشی در

دربیچه ارومیه و بسیاری از تالاب ها، از بین رفتن جنگل ها، نابودی گونه های زیستی، آلودگی دریاها و آلودگی هوا مواجه است که باید تلاش کنیم در برنامه ششم توسعه به این موارد توجه ویژه ای شود.»

عباسپور به آلودگی دریای خزر اشاره کرد و گفت: این آلودگی موجب کاهش ۷۰ درصدی صید ماهی کلیکا شده و صید ماهیان خاویاری نیز به طور چشمگیری کاهش یافته است. همچنین بالا رفتن آلودگی در خلیج فارس و تداوم بروز پدیده کشند قرمز نیز بسیار نگران کننده است.

وی در مورد آلودگی هوا در کلان شهر های کشور اظهار داشت: باید این روند تغییر کند و برنامه های حفظ محیط زیست و توسعه پایدار در کشور اجرا شود. (همانجا) [وقتی که رژیم دربه حداقل رساندن تلفات در جاده ها این قدر ناتوان است که در فوق دیدیم. مطمئناً دربرخورده جدی به مسائل محیط زیست صدبرابر بیشتر ناتوان تر و نادان تر باقی خواهدماند! رنجبر]

خودکشی ۳۱۲۵ تن در ۹ ماه

فرارو- یک جامعه شناس گفت: «جامعه دچار آنومی [ناهای سامانی، ناهنجاری] است و ارزش ها و هنجارهای فرهنگی فرو ریخته است. اکنون جوانان نسبت به آینده نالمید هستند و امیدی به ازدواج، شغل، مسکن و .. ندارند و شادی و نشاط هم در جامعه وجود ندارد که باعث می شود جوانان بیشتر در معرض خودکشی قرار بگیرند.» بر اساس آمار اعلام شده از سوی سازمان پژوهشی قانونی کشور در ۹ ماهه امسال ۳۱۲۵ تن در حواله کشی که مشکوک به خودکشی تشخیص داده شد، جان خود را از دست داده اند. بررسی دو آمار در ۹ ماهه سال ۹۱ و ۹۲ از افزایش ۱۴ درصدی آمار خودکشی در کشور حکایت دارد.

در سال گذشته، از کل مرگهای مشکوک به خودکشی در کشور، بیشترین موارد خودکشی در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال ثبت شده است که ۲۸,۲ درصد از کل موارد خودکشی این سال را در برمی گیرد.

خودکشی ارتباط تنگاتنگی با مصرف الکل و مواد مخدر دارد

دکتر آذرخش مکری روانپزشک و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در **گفتگو با فرارو** گفت: «خودکشی پدیده بسیار پیچیده روانی، اجتماعی و زیست



به گزارش بی بی سی، روحانی گفته است که یک گروه با عنوان دور زدن تحریم ها "منافع ملی را دور زندن و پول ملت را برداشتند". وی در اشاره به کلاهبرداری سه هزار میلیارد تومانی اخیر، گفته است که همان موقع "دهانها از این میزان باز بود و اکنون ۹ هزار میلیارد تومان است".

روحانی در عین حال اضافه کرده که "تازه مطمئن نیستیم که این ۹ هزار میلیارد تومان همه‌اش باشد و ممکن است چیزهای دیگری هم باشد که بعداً کشف شود".

پرونده فساد سه هزار میلیارد تومانی مشهور به "بزرگترین فساد مالی" تاریخ ایران نزدیک دو سال پیش به جریان افتاد. چهار متهم اصلی این پرونده از جمله مافرید خسروی، بنیان‌گذار شرکت امیر منصور آریا به اعدام محکوم شدند و حکم اعدام آنان توسط دیوان عالی کشور تایید شده است.

بنابرگارش قوه قضائیه ایران از ۳۹ متهم این پرونده، چهار نفر به اعدام، دو نفر به حبس ابد و بقیه متهمان به تحمل حبس‌های ۲۵ سال، ۲۰ سال، ۱۰ سال و پایین‌تر محکوم شده‌اند.

یکی از متهمان این پرونده، محمدرضا خاوری، مدیر عامل پیشین بانک ملی ایران است که به کانادا رفته است. به گفته مقام‌های قوه قضائیه ایران، آقای خاوری به طور غیابی محکمه شده است.

روحانی با اشاره به پرونده بابک زنجانی هم گفته که یک گروه با عنوان دور زدن تحریم‌ها "منافع ملی را دور زندن و پول ملت را برداشتند".

زنجانی تاجر خبرسازی است که نام او در جریان فعالیت‌های مالی مرتبط با دور زدن تحریم‌های بین المللی در انتقال پول حاصل از فروش نفت ایران به ایران مطرح شده است. مقامات قضایی او را به کلاهبرداری از سازمان‌های دولتی متهم کردند و او روز دوشنبه ۹ دی (۳۰ دسامبر ۲۰۱۳) توسط دادستانی کل کشور بازداشت و در زندان اوین حبس شد.

برخی آمارها از بدھی دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری آقای زنجانی به دولت حکایت دارد و آقای روحانی گفته است که "همه این پول نه این که یک محموله نفت خام بدھیم که ببرند و بفروشند بلکه بخش بزرگی از آن پول نقی است که به او داده بودند که بدھی‌های ما را برداخت کند".

روحانی به طور عوام‌گرانه ای گفته که "این صحیح نیست که یک عدد مردم رنج بکشند و عده‌ای با حیله و بهانه تحریم‌ها، بیت‌المال را غارت کنند".

حدود دو ساعت تلاش نجات یافتند.»

همتی افزود: «با روحیات کارگران کشته شده، آشنا بودم؛ آن‌ها با توجه به نزدیک شدن عید تلاش داشتند با کار و تلاش بیشتر، پیش خانواده خود خجالت‌زده نباشند چراکه حداقل حقوق کارگری که شش ساعت در این کار سخت و زیان‌آور مشغول خدمت باشد، ماهانه ۳۰۰ هزار تومان است، مگر اینکه بیشتر کار کنند».

سرانجام

اینکه چرا چنین ظلم و جوری استثمار خوانده نمی‌شود، از جمله عجایب روزگار است اما از آن عجیبتر، سکوت متولیان پیگیری حوالشی از این دست است؛ گویی انفجار در معدنی رخ داده که در ایران نیست که اگر می‌بود، موقعیت قانون کار در آن رعایت شده و دست کم کمترین حقوق به پرداخت شود اما می‌بینیم که اینگونه نیست. از این عجیبتر اینکه این حادثه نشان می‌دهد در آن معدن، جان انسان‌ها به قدری بی‌ارزش است که مرگشان هیچ پیامدی ندارد؛ نهایتاً یکی دو هفته تعطیلی و بعد ادامه استثمار کسانی که هیچ یار و پاوری ندارند که اگر داشتند، بی‌وسایل اینمی و به نرخ به مراتب کمتر از حداقل حقوق قانون کار، دلیلی برای این در دادن به این کار سخت نداشتند.

تلخ‌تر اینجاست که احتمالاً تعطیلی این معادن بزرگترین ضرر را به کارگران آن خواهد زد، چراکه میزان پرداختی به ایشان، حکایت از سود نامشروع و چند برابری کارفرمایان ایشان داشته و سکوت کارفرمایی اصلی - یعنی دولتی که این معادن را بروان سپاری کرده است - هم دلیلی ندارد جز اصرار به سرشاری از پیمانکار به استخدام در آورده می‌گیرد و تنها کارگران هستند که هم حداقل می‌گیرند، هم بی‌امکانات و در معرض خطرات متعدد قرار دارند و هم باید سکوت کنند چون پشتیبانی ندارند.

کاش دست کم برای حفظ جان این کارگران و از حرکت نیقادن چرخ استخراج و سودرسانی به شرکت پیمانکار و کارفرمای فراموشکار، برای کارگران قناری می‌خریبیم! (اینه روز ۷ اسفند ۱۳۹۲)

روحانی: برخی با عنوان دور زدن

تحریم‌ها، پول ملت را برداشتند

حسن روحانی رئیس جمهور ایران در سخنرانی در هرمزگان از وجود فساد در کشور انتقاد کرده و کلاهبرداری سه هزار میلیارد تومانی را به مراتب بیشتر دانسته است.

شیفت کاری مشغول به کار می‌شوند، ولی این حجم کار روزانه و فعالیت افراد هم موجب نشده که تجهیزات اولیه به کار گرفته شده، حداقل‌های ایمنی رعایت شده و یا حقوق مکفی به کارگران پرداخته شود.

انفجار در حالی رخ داده که تحقیقات اولیه، حکایت از آن دارد که مسئول اینمی به وظیفه خود عمل نکرده و پیش از ورود کارگران به کارگاه، گاز درون معدن را اندازه‌گیری نکرده است.

بعد

نام زمخت و سیاه معدن زغال سنگ از دیرباز با نام قاری، پرنده کوچک، خوش رنگ و خوش صدا آمیخته شده است؛ نه اینکه معدن‌چیان شیفت‌های صدای این پرنده بودند که با خود قاری به زیر زمین می‌برند، بلکه می‌دانستند این پرنده ظریف به فردی به نشت گاز حساس است که می‌تواند نقش زنگ خطر را برایشان بازی کند.

بی‌قراری قناری برای معدن‌چیان معنای نداشته، جز نشت گاز و نشت گاز نخستین گام از مسمومیت و انفجار و مرگ معدن‌چیان بوده و هست. بدین ترتیب، ریتم حرکات این پرنده‌گان آرامش بخش بوده و گاه کاری می‌کرده که معدن‌چیان فرار را بر قرار ترجیح دهد. این روند سال‌های سال جریان داشته تا اینکه دستگاه‌های اندازه‌گیری انواع و اقسام گاز‌های خطرناک و قابل انفجار ابداع شده و قناری‌ها از پیش مرگی انسان‌ها رهایی یافته‌اند.

ادامه

«اداره صنعت، معدن و تجارت اجازه کار در کارگاه ۱۲۷ را نداد، اما مسئولان معدن به دلیل مرغوب بودن زغال اصرار به تولید کردن»؛ این‌ها را مهدی همتی، نماینده کارگران می‌گوید و ادامه می‌دهد: «حدود چهار ماه قبل در یک حادثه مرگبار جوانی به نام حسین زمانی جان خود را از دست داد و بلافضله معدن به دستور دادستان به منظور افزایش اینمی تعطیل و قرار شد، تجهیزات در افق‌ها تعمیر و تعویض شوند، ولی نهایتاً پس از ۱۶ روز مجدداً معدن بازگشایی شد.»

او در ادامه در شرح حادثه گفت: «پنج کارگر در معدن مشغول به کار بودند که دو تن از آن‌ها به نام‌های علیرضا میرزا و مهدی بهمن که در زیر بونکر [انبار‌ذغال، پناهگاه] بودند، مجرح و محمدرضا صادقی، حسین اسلامی و حسین محمدی در دم کشته شدند. چهار تن دیگر در کارگاه ۱۲۸ مشغول به کار بودند که با کمک گروه نجات و پس از



سوم ۱۵ تا ۱۸ ساله هستند، متاسفانه فقر مستمری در زندگی کودکان کار وجود دارد که در حوزه سلامت آموزش و تغذیه این کودکان اثر سوء دارد.»

فرشید یزدانی، فعل حقوق کودک نیز درباره منبع اعلام این خبر تکاندهنده چندی پیش اعلام کرده بود: «طبق بررسی‌های دکتر راهور - مسئول پژوهش مرتبط با فقر بین کودکان خیابانی و عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا(س) - رشد فقر در کودکان کار و خیابان از سال ۸۴ تا ۸۸ روند صعودی داشته است. این فعل حقوق کودک با اشاره به خشونتی که علیه این بچه‌ها اعمال می‌شود، اعلام کرده مسئله کار کودکان به نوبه خود خشونتی است که علیه کودکان کار و خیابان اعمال می‌شود.» یزدانی، با اشاره به این نکته که بیش از ۳۲ درصد کودکان کار مورد آزار جسمی، روحی و جنسی قرار می‌گیرند، تاکید می‌کند: «طبق پژوهشی که در زمینه نرخ ابتلاء به ایدز در کودکان کار توسط دکتر محرز- انتاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی- انجام شده، نرخ ابتلاء کودکان کار و خیابان به ایدز ۴/۵ درصد است و این نرخ نسبت به نرخ ابتلاء به ایدز در جامعه که ۱/۰ درصد است، ۵/۴ برابر محاسبه می‌شود.» وی با اشاره به این نکته که آسیب جدید دیگر نرخ بیسوسادی و کم‌سوسادی در کودکان کار است، می‌گوید: «۷۲ درصد این کودکان بیسوساد و کم‌سوساد هستند یا در حد ابتدایی سواد دارند و ۱۷ درصد کودکان کار و خیابان در تهران اصلاً مدرسه نرفته‌اند و این بیسوسادی و کم‌سوسادی در فرایند زندگی این افراد تاثیر سوء دارد.» (آینه روز - ۱۲ اسفند ۱۳۹۲)

[اندک اطلاعاتی که راجع به وضعیت زنان، کودکان، محیط زیست در ایران در بالا آمد نشان می‌دهند که رژیم جمهوری اسلامی خدمتگزار سرمایه چه جهنمی را در ایران برای کارگران و زحمت کشان و خانواده های آنان به وجود آورده است. رهائی از وجود نحس این رژیم جز با سرنگون ساختن آن و سلطه نظام سرمایه داری و اداره کشور به دست کارگران و زحمت کشان، پایان دادن به سلطه‌ی استثمار و ستم ممکن نبوده و بیش از ۷۰ میلیون نفر از مردم ایران و خانواده های کارگری افغانستانی و غیره تمامی خواهد یافت. رنجبر]

انجام داد که در سال‌های اخیر کارشناسان نسبت به شیوع موج‌های جدید ایدز هشدار داده بودند. سال گذشته بود که مرضیه وحید دستجردی در اقدامی خلاف رویه مسئولان از بیماری ایدز و هشدارآمیز بودن وضعیت در این زمینه سخن گفت.

آذر سال گذشته وزیر بهداشت اسبق نسبت به احتمال وقوع موج سوم ایدز به دلیل تغییر الگوی ابتلاء آن به سمت انتقال جنسی تا ۹۳ هزار فرد مبتلا به HIV در کشور داریم. مرضیه وحید دستجردی افزود: برعغم اینکه فکر می‌کنیم راه طولانی برای کنترل ایدز را باید طی کنیم اما، این مسیر و دستیابی به اهداف آن سخت نیست چرا که تا کنون توانسته‌ایم فلچ اطفال را حذف کنیم و در جهت حذف سرخک حرکت کنیم. (پیک ایران ۸ اسفند ۱۳۹۲)

آمار کودکان کار در استان تهران ۳/۱۴ درصد

آمار کودکان کار در استان تهران ۱۴,۳ درصد، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی ۶,۹ درصد، خوزستان ۶,۴ درصد، هرمزگان ۵,۸ و قم ۵,۷ درصد است. براساس مطالعات انجام شده، حدود ۳۰ درصد از کودکان خیابانی را افرادی تشکیل می‌دهند که به مدرسه نمی‌روند به همین دلیل با توجه به ضرورت تحصیل کودکان در مدرسه به نظر می‌رسد سیستم آموزشی برای جذب این گروه از کودکان لازم است انعطاف پیشتری در برنامه‌های آموزشی خود داشته باشد.

نرخ ابتلاء کودکان کار و خیابان به ایدز ۴۵ برابر جامعه است

چندی پیش علی‌اکبر سیاری معاون وزیر بهداشت از آمار تکاندهنده ابتلاء به ایدز بین کودکان کار و خیابان در ایران خبر داده بود. بر اساس مطالعه‌ای که درباره بروز و شیوع ایدز روی هزار کودک کار و خیابان در شهر تهران انجام شده ۵ / ۴ درصد آنها به ایدز مبتلا بوده‌اند. در همین زمینه رئیس مرکز تحقیقات ایدز ایران گفت: ۴ تا ۵ درصد از کودکان کار خیابان و ۲ درصد از زندانی‌ها و ۶ درصد از زنان روسپی به ایدز مبتلا هستند. دکتر مینو محرز رئیس مرکز تحقیقات ایدز ایران اعلام کرده است: «نرخ ابتلاء کودکان کار و خیابان به ایدز ۵/۴ برابر جامعه است که از این افراد، یک‌سوم کودکان مبتلا ۱۰ تا ۱۴ ساله و دو

درخواست برای انصراف از گرفتن یارانه رئیس جمهوری ایران همچنین از مردم خواسته است از گرفتن یارانه انصراف دهنده دولت ایران به دلیل کمبود منابع مالی در صدد است دوباره فرم هایی را در اختیار مقاضیان دریافت یارانه قرار دهد و با توقف برنامه پرداخت یارانه به همه ایرانیان، این پرداخت‌ها را به افرادی که نیازمند تشخیص می‌دهد منحصر کند.

دولت سالانه بیشتر از ۴۰ هزار میلیارد تومان یارانه نقدي به خانوارها می‌دهد در حالی که درآمد حاصل از افزایش قیمت‌ها در نتیجه حذف یارانه‌های دولتی بسیار کمتر از این رقم است.

آقای روحانی گفته که "هر پولی که از قیمت اضافه انرژی به دست می‌آوریم در کنار پولی که در جاهای دیگر و خزانه به صورت غیرقانونی برداشت می‌کنیم در قالب یارانه مساوی به همه مردم می‌دهیم."

آقای روحانی گفته که "یک عدد می‌گویند که دادن پول را به هیچکس قطع نکنیم ولی اگر این کار را نکنیم وضع انرژی بدتر می‌شود، وضعیت بهداشت اصلاح نمی‌شود و عده‌ای که نیازمند نیستند در کنار عده‌ای که نیازمند هستند، یارانه می‌گیرند."

کارشناسان اقتصادی می‌گویند که مرحله اول برنامه حذف یارانه‌ها بعد از تشدید تحریم‌ها و بروز بحران ارزی و تورم شدید، با شکست مواجه شده است و دولت آقای روحانی در صدد است با محدود کردن تعداد دریافت کنندگان یارانه، مانع از شکست این طرح اقتصادی شود.

به گفته آقای روحانی مجلس به دولت مجوز داده است که در سال آینده یارانه را به کسانی بدهد که "مقاضی و نیازمند به آن یارانه باشند." (پیک ایران - ۸ اسفند - ۲۷ فوریه ۲۰۱۴)

[از آقای روحانی باید پرسید این دزدیها درزیر پرچم حمه‌جمهوری اسلامی صورت گرفته و سران رژیم باید همه شان دردادگاهی محکمه شوند و چرب زبانی شما چیزی جز مخفی کردن شیادانه کثافتکاریهای سران رژیم نمی‌باشد! رنجبر]

مبتلایان به ایدز ۹ برابر شده‌اند ایرنا : استادیار دانشگاه علوم

پژوهشکی تهران گفت: طی ۱۲ سال گذشته میزان مبتلایان به بیماری

ایdz ۹ برابر شده است.

محمدحسن آیتی در حالی این اظهار نظر را





شان متعد و منشکل شوند و در این حرکت زنان آگاه کمونیست و کارگر باید پیش قدم درسازمان یابی مستقل زنان باشند. ثانیا رهائی زنان از ظلم و جور نظام سرمایه داری حاکم برجهان جدا از خواست کارگران و زحمت کشان مرد نیست. امری که اتحاد هرچه فشرده تر تشكلهای زنان با تشكلهای کمونیستی و کارگری را ایجاب می کند.

باتوجه به این که کلیه ی ظلم و ستمهای فوق در ایران توسط حاکمیت دین بردولت شدیدتر از جاهای دیگر اعمال می شود که نمونه به رسمیت شناختن ازدواج با دختر یا پسرخوانده درخانه، اوج تجاوز به حقوق کودکان در ایران را نشان می دهد و با درنظرگرفتن این که تجربه مبارزاتی سریلاند زنان در ایران نشانده‌ندی اهمیت دادن زنان مبارز ایران به وحدت مبارزاتی برای گرفتن حقوق شان می باشد. لذا باید براین امیدباشیم که دختران و زنان ایران در پیشبردن مبارزه علیه نظام ارتجاعی حاکم فرقه گرانی ها را مورد نقد قرارداده و چه درسازماندهی خود و چه درسازمانیابی کارگران و زحمت کشان و یا وحدت کمونیستها قدم به پیش گذاشته و از این طریق به درسهای ۸ مارس جوابی شایسته بدهند.

گرامی باد ۸ مارس روز هم بسته گی مبارزاتی زنان درجهان!
رهائی زنان درگرو نابودی حاکمیت طبقاتی است!

نگ و نفرت بر سنت مردسالاری نسبت به زنان!
سازمان یابی وحدت زنان با جنبش کمونیستی و کارگری تنها راه رهائی است! مرگ بر رژیم ضد زن و مردسالار جمهوری اسلامی ایران!

حزب رنجبران ایران -
اول مارس ۲۰۱۴ - ۱۰ اسفند ۱۳۹۲

سه نمونه از زنده گی هزار بار بیشتر طاقت فرسای زنان در ایران و جهان

زنده ی سیاه یک دختر خودفروش
پارسینه: شهرخبر: شاید برای شما هم پیش آمده باشد با یک اعصاب تحیریک شده از ترافیک و سری که از شدت سرما خورده‌گی در مرز انفجار است در خیابان مانده باشید و زمین و زمان را به هم بدوزید اما حکایت من به عنوان یک خبرنگار در حوالی میدان ونک حکایت تلخی است از درد و رنج دختری که دیگر دختر نیست، زن

خودبینی رها شده و اندیشه به جمع را با نقد صریح خودبینی اتخاذ کنیم.

۸ مارس روز انتقاد از جامعه جهانی تا فردفرد ما است. فجایعی که هم اکنون درجهان علیه زنان صورت می گیرد، نه تنها لکه ننگی بردامن به شدت آلوهه نظام سرمایه داری جهانی است که پاک شدنش جز نابودی این نظام ممکن نیست، بلکه خفت و خواری نسبت به مردانی نیز هست که ضمن به رسمیت شناختن آزادی و رهائی زنان، خود نیز گرفتار سنتهای ارتজاعی گذشته بوده و نسبت به زنان خویش و درخانه مردسالاری را درابعادی کوچک و بزرگ به کار می بندند.

درسالی که گذشت زنان درجهان در سطوح مختلف اجتماعی مورد تجاوز و ظلم و ستم نظامهای طبقاتی و مردسالاری قرار گرفتند. صرف نظر از استثمار زنان در عرصه ای نابرابری با مردان در مقابل کاربرابر و تحمیل کارموقت و مزد ارزان به آنان؛ در پیش رفته ترین کشورهای سرمایه داری با ظاهری دموکراتیک نظیر کشورهای اسکاندیناوی، عدم امنیت زنان به حدی رسیده است که "خانه های امن" برای نجات جان زنان در معرض خطر از جانب شوهر و غیره درست شده است. تجاوز به زنان از جمله در شبها به حدی رسیده که امنیت آنان در حرکت تنها در شب از بین رفته است. تجاوز جمعی به دختران و زنان چه در کشورهای امپریالیستی و چه در کشورهای جهان سومی که تا حد کشتن زن مورد تجاوز قرار گرفته نیز پیش رفته است، نشان می دهد که با چه بربریتی در مورد زنان روبه رو هستیم!

سوء استفاده از زنان در عرصه تجارت خودفروشی، فروش زنان و دختران و تبدیل شدنشان به عروسکی در خدمت تبلیغاتهای تجاری و مد و غیره نشان می دهد که به زنان نظام سرمایه داری در حد برد و ابزاری برای جمع آوری ثروت نگاه می کند و نه در حد انسانی برابر با مردان صاحب قدرت و ثروت!

انعکاس این وضعیت در هندوستان تا بدانجا پیش رفته که دختران مبارزی پیش قدم شده و در شهر خودشان سازمان دهی دفاع از خود را ترتیب داده اند. چون که دیده اند دولت هند در برخورد به این تجاوز سیاستی جدی پیش نگرفته و مرتباً تجاوز به آنان در هندوستان ادامه می پاید.

این حرکت به طور روشی نشان می دهد که اولاً زنان باید برای کسب حقوق پایمال شده

به استقبال ۸ مارس روز هم بسته گی مبارزاتی زنان برویم!

اگر درصد واندی سال پیش زنان پیشرو سوسیالیست جهان متحدا با الهام از مبارزات زنان کارگر نیویورک در آمریکا تیزبینانه برای متحکم کردن صفت پراکنده مبارزاتی زنان جهان در صفحه واحد پیشرو، ۸ مارس را روز هم بسته گی بین المللی مبارزاتی زنان نامیدند تا زنان جهان هرچه بیشتر با شرکت در مبارزات جهانی این روز فرخنده، آگاهی یافته و برای تحقق حقوق پایمال شده شان متحدا مبارزه کنند؛ اما با گذشت زمان و با بالارفتن درک مردان کارگر و زحمت کش از این واقعیت که رهائی آنان نیز از استثمار و ستم و ظلم و جور نظام سرمایه داری درگرو حمایت و مبارزه مشترک از استثمارشده گان مضاعف و ستم دیده گان بیشتر از مردان، یعنی زنان است، امروز پرچم آن هرچه بر افرادش تر شد، به روز هم بسته گی کل انسانهای آزادی خواه و برابری طلب اعم از زن و مرد تبدیل شده است. به استقبال این روز فرخنده برویم و با تمامی وجود از خواستهای به حق زنان به دفاع برخیزیم و در دوجبه: از یک سو بانظامهای سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری در به برده گی کشاندن زنان مبارزه کنیم و از سوی دیگر با نظام مردسالاری درجهان و از جمله در درون خود جنبش کارگری و کمونیستی مبارزه را ادامه داده و شرایط زنده گی مملو از آزادی و برابری اجتماعی زنان و مردان را فراهم سازیم.

۸ مارس روز عیش و نوش و جشن به تنهایی نیست. روز مبارزه و به دست گرفتن خواستهای فوری و آتی مترقی زنان در هر کشور و تلاش برای تحقق آنهاست.

۸ مارس روز حرکت آگاهانه ای زنان و پیوندان با جنبش کارگری است. همانطور که امر آزادی زنان بدون آگاهی و کمک مردان آگاه و تغییر تفکر و فرهنگ مردسالارانه ممکن نیست، جنبش زنان نیز بدون پیوند با متراقی ترین جنس طبقاتی و فاصله گرفتن از تفکرات افراطی فمینیستی نیز نمی تواند به پیروزی برسد.

۸ مارس روز پای کوبی تنها در خیل زنان نیست. بلکه روز آموختن از نقش متحکم کننده ای آن نیز هست تا در مبارزات پیش رو از



اینکه زنان خیابانی ماحصل فقر و اقتصاد بیمار و نبود حمایت‌های اجتماعی هستند واقعیتی غیر قابل انکار است اما اینکه چرا برای بازگشت آنها به زندگی سالم تلاشی هدفمند و قانون‌مدار نمی‌شود یک سوال بی‌پاسخ طی سال‌های اخیر بوده است. سوالی که حالا سوال من و جامعه هست و ای کاش پاسخی قانع کننده داشته باشد!

(آینه روز - ۸ اسفند ۱۳۹۲)

۴ درصد زنان تهرانی

افسرده هستند

به گزارش ایرنا، "محسن ناصری" روز چهارشنبه در دومین سمینار تخصصی طب سنتی با محوریت اصلاح سبک زندگی در پژوهشکده فرهنگ و هنر معماری تهران افزود: بهترین درمان برای کاهش افسردگی به ویژه مادران تهرانی همباری شدن با فرزندان خود و اجازه ورود آن‌ها به بازی‌هایی از جمله آتش بازی و بالارفتن از درخت در پارک‌ها است.

ناصری تصریح کرد: همبازی شدن مادران با فرزندان موجب کاهش افسردگی و کاهش وسوس آن‌ها نیز خواهد شد.

وی یکی از علل بیماری مفصلی در بانوان را خواب روزانه عنوان کرد و گفت: خواب روزانه موجب خواهد شد که عضلات آنان متورم شده و دستگاه مفاصل را تحت الشاعع قرار داده و افسردگی آنان را دوچندان می‌کند. (بیک ایران - ۸ اسفند ۱۳۹۲)

ازدواج اجباری ۱۴ میلیون دختر

نوجوان بامدان میان سال!

صدای آلمان: "صندوق جمعیت سازمان ملل متحده"، تازه‌ترین گزارش خود را به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن، در زمینه‌ی افزایش فشار بر دختران نوجوان زیر ۱۸ سال، برای ازدواج با مردان سالم‌منشتر کرد. بر پایه‌ی این گزارش، پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۰، هر سال ۱۴ میلیون دختر نوجوان ناگزیر به ازدواج با مردان میان‌سال می‌شوند. به نظر کارشناسان امور خانواده، فقر و ناآگاهی از عوامل اصلی گسترش این ازدواج هاست.

پیامدهای ویرانگر

سازمان‌های حقوق‌بشری جهانی، همچنین نسبت به پیامدهای اسفبار این ازدواج‌ها هشدار دادند و اعلام کردند که دختران نوجوان، پس از ازدواج اجباری، "تمامی اختیاراتی که می‌توانند بر زندگی و سرنوشت خود داشته باشند، از دست می‌دهند و اغلب از سوی همسران خود مورد آزار و اذیت و بدرفتاری قرار می‌گیرند". یکی از

نیست، هیچ چیز نیست، پوچ است و تو خالی، طرد شده و پر از نفرت. نفرتی که شاید امثال ما به او هدیه کرده ایم، در حالی که شاید اگر در شرایط برابر با او زندگی می‌کردیم کسی بودیم مانند او، تنها و پر درد و توهالی با ماسکی رنگارنگ و لباس‌های مارک دار! ماجرا اما خیلی ساده پیش آمد، ساعت کمی از ۹،۳۰ شب گذشته بود و من در حالی که تازه با پیچیدن به سمت یکی از فرعی‌های میدان ونک کمی از ترافیک خلاصی یافته بودم با دخترکی مواجه شدم که ترسان کنار خیابان می‌دوید.

ناخودآگاه حس فمینیستی در من فوران کرد و با زدن چند بوق از او خواستم که سوار شود. دخترکی بود کم سن و سال با شال و مانتوی خوش دوخت و گران قیمت و صورتی پر آرایش که حتی زیر آن سرخاب و سفیدآب ها هم از نگرانی مانند گچ سفید بود. از در عقب سوار شد. چند لحظه ای به سکوت گشست و من با کنجهکاوی از آینه در صورت جوان و بی روح او تجسس می‌کرم و سرانجام در حالی که نمی‌دانستم چه باید بکنم آرام از او پرسیدم، چرا در خیابان می‌دوي، چه مشکلی داری؟

پاسخ او سکوت بود و من همچنان منتظر در صورت اینه او تجسس می‌کرم و آرام می‌راندم. ناچار از او پرسیدم خانه اش کجاست تا او را برسانم اما برق نفرت در چشمانتش درخشید و من را از سوال مپشیمان کرد!

ناگهان چنان هق هقی سرداد که دل سنگ را آب می‌کرد و بعد از چند دقیقه گفت: "شما بچه پول دار ها فکر می‌کنید کی هستید ها؟ من دست از پا دراز تر با چشمانتی خیس که مطمئن بودم هرگز با دیدن دخترکان خیابانی رنگ نرفت نمی‌کیرد، چشمانتی معرفی اش کنم که از آنها کمک بگیرد آب از سر او گذشته است و میداند برادرش هم روزی مانند پدر خواهد شد اما... دلم می‌خواست تعقیش کنم... دلم می‌خواست به نهادی سازمانی کسی، جایی که از پدر داشت، پدر به معنای سرپرست خانواده! پدری که می‌تواند هر لحظه او را از بچه پولی کنند!"

من دست از پا دراز تر با چشمانتی خیس که مطمئن بودم هرگز با دیدن دخترکان خیابانی رنگ نرفت نمی‌کیرد، چشمانتی که اجازه نخواهم داد این بار رنگ ترحم و تحیر بگیرد، دست از پا درازتر به خانه خود ناخودآگاه خنده ای سردادم که از چشم دخترک دور نماند و بعد از اینکه چند فحش آبدار نثارم کرد با آرامش به او گفتم: من خانه ام از اینجا خیلی دور تر است و فکر نمی‌کنم بچه پولدارها پراید قرضی سوار شوند. نگاهش کمی آرام گرفت. از او خواهش کرم آدرس خانه اش را بدده که او از محله ای برایم گفت که در انتهای تهران و روی خط راه آهن قرار دارد. از محله ای برایم گفت که مادر و خواهر کوچکترش در آن جان داده اند. از خانه ای برایم گفت که پدر معتمدش با کمربند به مادرش حمله می‌کرد و به او و خواهر کوچکترش تجاوز می‌کرد! تا جایی که مادر و خواهرش تاب

در محل کار، یک نظام هم کاری، بی همتای در جهان، در آلمان ایجاد شده است. به این دلیل، میشل آلبرت کارفرمای فرانسه صحبت از گرایش مدل ویژه سرمایه داری در آلمان می کند، که آن را راینیش یا سرمایه داری اجتماعی می نامد.» (فرانکفورتر رونداشو، ۲ فوریه ۱۹۹۵)

ولی رفمیسم رهبران اتحادیه سوییال - دموکرات نه تنها در جنبش اتحادیه ای اعمال نفوذ در شکل برنامه ایده نولوژیک - سیاسی می کنند، بلکه بیانی روزانه در بوروکراسی اتحادیه ای در تمامی سطوح دارند:

- حفظ مبارزه علیه اعمال استبدادی کارفرمایان در چارچوب رسمی، قانونی فعالیتهای اتحادیه ای؛ تمرکز دادن توجه به فعالیت دردادگاههای کار، گرفتارسازی دردام قانون کار بورژوازی، مبارزه توهم آمیز در مورد قدغن کردن بستن کارخانه.

- کشاندن فعالین کارگری سطح پائین به خط مشی اتحادیه ای، اشاره کردن به آنها که «کارت

عضویت حزب راستین» باید داشته باشد - که طبعاً به معنی حزب سوییال دموکرات است. مبارزه برای مزایا با عضویت تمام وقت در فعالیت شورای کارگری^(۳) حاصل می شود، که پیوسته در راه «هم کاری تعیین شده» مواضع هیئت مباشران موسسات قراردادار.

- جلوگیری از ابتکارات مستقل افراد پائین اتحادیه با اجرای سیاست عملی به جای آنها در شوراهای کار و مذاکرات درمورد مزد، در حالی که هم زمان اتهام علیه بدنه اتحادیه تحت عنوان «فقدان خواست مبارزاتی» بلند می شود.

- به تحلیل کشاندن دموکراسی درونی اتحادیه ها، توسط مقامات تمام وقت انتخاب شده برای اعمال رهبری با قدرت خود علیه خواست اعضاء.

- جدا سازی کارگران و اتحادیه ها از طریق سیاست درسطح حفظ برخی از محلها و بخشهای تولیدی، با ایجاد این فکر در مردم درمورد کارخانه، به خاطر مزایای ملی و محلی.

- سوء استفاده از رهبری اتحادیه برای تبدیل اتحادیه ها به کمک کننده انتخاباتی حزب سوییال - دموکرات.

(۳) - کارمندان رسمی نماینده در محل کار روابط کاری و یا قانون اساسی کارها - امیدبستن ها به نماینده گان سیاسی «فهیم»، «کمترخشن»، با این فرض که می توان آنها را با رقتار به طریقی قابل قبول متفاوض ساخت.

در جبهه جهانی کمونیستی ... بقیه از صفحه آخر

▶ پیامدهای منفی ازدواج های زودهنگام محرومیت از ادامه تحصیل برای دختران است.

سازمان «تر دز ام»، که در سراسر جهان از جمله برای احقاق حقوق زنان مبارزه می کند، از تاثیرات منفی جسمی و روحی ناشی از ازدواج های اجباری خبر می دهد و آن ها را «جبران ناپذیر» می خوانند. باربارا کوپرز، کارشناس حقوقی این سازمان در این باره می گوید: «این دختران نوجوان در دوران بارداری و هنگام زایمان با دشواری های زیادی رویرو می شوند.» این مشکلات می توانند گاهی به مرگ کودکان بیانجامند. چندی پیش، یک دختر ۸ ساله می نمی که مجبور به ازدواج با مردی مسن شده بود، از جراحات ناشی از آمیزش کننده باشد ساخته گی بوده است، به واسطه این که گرایش آناتکونیسم طبقاتی ملایم نز و کم تر حاد می شود...

در حیطه ی سیاستها، رویزیونیسم برای تجدیدنظر در مارکسیسم، از جمله، درمورد دکترین مبارزه طبقاتی، واقعاً تلاش می کند. آزادی سیاسی، دموکراسی و حق رای عمومی پایه مبارزه طبقاتی را از بین می برند - به ما گفته شده بود. ... چون که، آنها گفتند، از زمانی که «خواست اکثریت» حکم فرما دریک دموکراسی می شود، انسان نباید دیگر به دولت به مثابه ارگان حاکمیت طبقاتی نگاه کند، و نه وحدت با بورژوازی مترقی، سوییال - رفمیستی علیه ارجاعیون را در نماید.» (لنین، کلیات آثار، جلد ۱۵، صص ۳۳، ۳۴، ۳۶؛ تاکیدات از ما - ناشران راه انقلابی)

کلاوس زویکل، صدر اتحادیه کارگران فلز کار آلمان، پایه جهان بینی رفمیستی راست ترین بوروکراسی اتحادیه را در صحبتش «سرمایه داری و عدالت اجتماعی، یا: مسئولیت کارفرمایان و انجمنهای کارمندان» چنین جمع بست: «علیه آنان [بیشنهاد دهنده گان «سرمایه داری خالص» - ناشران راه انقلابی] ما تاکید کردیم روی این نظرکه سودشخصی نه ولی خوبی اکثریت باید فعالیت اقتصادی را معین سازد. اما در جریان زمان اتحادیه ها نیز تجربه کردند که اقتصاد بازار و عدالت اجتماعی نباید مشترکاً مغایر با اهداف باشند. پایه مهم این نظر عبارت بود از توانائی در تنظیم اجتماعی روند بازار با توانائی خودمان و با حمایت احزاب و جنبشهاي موکراتیک... برپایه قراردادهای جمعی داد و ستدی، سند، قانوناً باهم تعیین کردن و قانون روابط کاری

ازدواج زودهنگام علی رغم منوعیت

بنا بر گزارش سازمان «تر دز ام»، اغلب ازدواج های زودهنگام در کشورهای هند، پاکستان، افغانستان، نپال و برخی از کشورهای آفریقایی صورت می گیرد.

به گفته کارشناس حقوقی سازمان نامبرده، ازدواج دختران زیر ۱۸ سال، در اغلب کشورهای جهان ممنوع اعلام شده است. با این حال، خانواده های کمپضاعت در روستاهای دختران نوجوان خود را به دلیل نفع مادی و دریافت کمک های مالی به عقد و ازدواج مردان مسن در می آورند. به این ترتیب کودکان و نوجوانان، از رفقن به مدرسه و فراگیری فناوری های دیگر که برای ساختن زندگی آینده آنان ضروری است، محروم می مانند. (آسمان دیلی نیوز - ۱۷ اسفند ۱۳۹۲)



به تارنما های
اینترنتی حزب
رنجران ایران
مراجعةه کنید و نظرات
خود را در آنها
منعکس کنید!



کارگران به مدت دهها سال. رویزیونیسم قادر به نفوذ عمیق در آگاهی توده ها در جمهوری دموکراتیک آلمان شد. تشخیص این درآنجا به دلیل طبقه جدید سرمایه دار بوروکراتیک در ظاهر انقلابی اس.ا.د. که حاکمیت اش را به مثابه «دولت کارگری و دهقانی مخفی می کرد، و پیوسته زبانا به تقدیس «مارکسیسم - لینینیسم» می پرداخت، مشکل بود. اما رویزیونیسم هم چنین تئوری مارکسیست - لینینیستی را درمورد اساسهای جامعه سوسیالیستی برای برقراری یک پرده دولین ایده الیستی عوضی معرفی می کرد که درپشت آن قدرت و استثمار روابط سرمایه داری - بوروکراتیک واقعی فرض می شد که ازین رفته است. ماده ۱ قانون اساسی جمهوری دموکراتیک آلمان ریاکارانه از «رهبری طبقه کارگر و حزب مارکسیست - لینینیست اش» صحبت می کرد، درحالی که مدت‌ها بود که قدرت به دستان بوروکراسی مرکزی شامل رهبری حزب، دولت و اقتصاد درج.و.س. و ج.د.آ. به بورژوازی نوع جدید فاسد افتاده بود.

رویزیونیسم مدرن پایه ایده نولوژیک جامعه بود. به عنوان نمونه، ادعا می شد که «سوسیالیسم جامعه ای غیر آتناگونیستی بود» که در آن طبقات کارگر و دهقان و اقشار روش فکر «به طور دوستانه» اکنون موجودند. این انکارمی کرد که مبارزه طبقاتی نیروی محركه ای رشد جامعه سوسیالیستی به کمونیستی است. مبارزه طبقاتی درسوسیالیسم، بعداز شکست نیروهای کهن سرمایه داری، خود را در قامت اعمال دیکتاتوری پرولتاریا از طریق کنترل دقیق بوروکراسی نشان می دهد. نفی این نوع مبارزه طبقاتی حیاتی برای رشد جامعه سوسیالیستی بیان این واقعیت بود که بوروکراسی خرده - بورژوازی فاسد در رهبری حزب، دولت و اقتصاد ازمنتها پیش به مثابه بورژوازی نوع جدید به سوء استفاده از قدرت می پرداخت.

ازین رو، «نقش رهبری» طبقه کارگر عبارت بود از کار سخت کردن و بهبود اقتصاد سرمایه داری - بوروکراتیک. دیدگاهی توده ای به وجودآورده شده بود دایر براین که مسئولیت در رشد جامعه ج.د.آ. نه درست آنها، بلکه باید کسب وکار رهبری حزب با کیفیت برای آن باشد. این در خود تشخیصی یک آموزگار قبلی «مارکسیسم - لینینیسم» در ج.د.آ. رو شد: «تا روزهای اخیر، من امید و اعتقاد داشتم که سوسیالیسم واقعا چیزخوبی است،

آلمان، د.ک.پ.، هیچ اقدام کوچکی درمورد این فساد رفرمیستی و آگاهی طبقاتی انجام ندادند. از بوروکراسی اتحادیه ای سهل انگاری لازم را در ایجاد موانع در اتحادیه ها علیه مارکسیست - لینینیستها و کارهای آموزشی آنان کسب کردند. در مقابل آنها از هرگونه انتقاد از سیاست رفرمیستی راست ترین بوروکراسی اتحادیه ای خود داری نمودند. در مقاله «کوششی در محاسبه ۲۵ ساله گی د.ک.پ.»، کورت باکمن صدراول این حزب از ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳، این پورتو نیسم حزب را با کلمات زیر توجیه نمود: «ما تلاش کردیم سیاستها و استراتژی خودمان را در شرایط جمهوری فدرال آلمان، به مثابه حزبی از این کشور، همان طور که در فراخوان ایجاد حزب قول داده بودیم، تکامل بخشیم. در این پایه گذاری، نظراتی پذید آمد که تعیین کننده اسناد برنامه ای ما را معین می کردند: نوسازی دموکراتیک، گسترش دموکراسی در تمامی مناطق، تغییر کیفی آنان به دموکراسی ضدانحصاری، به مثابه مرحله ای در راه سوسیالیسم در کشورمان، درامتداد دیدگاههای وحدت طلبی ما که آنها را می سازند.» (برگهای مارکسیستی، شماره ۵، ۱۹۹۳، ص. ۱۶)

کوشش د.ک.پ. برای «دموکراسی ضد انحصاری» چیزی جز طرح ناروشن اتحاد با «بورژوازی سوسیال - رفرمیست» نیست که باید گفته شود، سوسیال دموکراسی. تراخاب کردن دیواربرلن، انتظار ضمانتی اش در پشت این عبارت از سرمایه داری بوروکراتیک این بود که «سوسیالیسم واقعی» می نامیدند که باید آن قدر قوی گردد که «بخش بیشتر معقول» جناح بورژوازی انحصاری نهایتا در کنار آن بایستد. رهبران د.ک.پ. براین اعتقاد بودند که شاید بتوانند به این روند تاریخی با همراهی فراینده به نفع اس.پ.پ.د. سرعت بخشند. بوروکراسی اتحادیه سوسیال - دموکراتیک تمامی تلاش را به بهترین وجهی انجام داد تا کشورهای تحت کنترل شوروی در بلوک شرق به مثابه بدیل سوسیالیستی برای سرمایه داری انحصار - دولتی در جمهوری فدرال آلمان قلمدادشوند. رویزیونیستی بودن اینان در کار آموزشی اتحادیه ای، به ویژه در بخش فلز کاران و اتحادیه های کارگران رسانه ای پذیرفته شد.

نقش مضر بازی شده توسط رفرمیسم در آگاهی کارگران در غرب، برمنای سیاست طولانی مدت رفرمیسم از بالا، در شرق توسط رویزیونیسم مدرن اجرا شد. تاثیر مشابه بود: آرامش نسبی در مبارزه طبقاتی

- ممانعت از تکامل سیاستهای اتحادیه های «نا سازگاری با عضویت» با هدف و افراز از نیزی به مارکسیست - لینینیستها به مثابه «دشمنی با اتحادیه ها». .

نمونه های رفرمیستی تفکر و رفتار خرده - بورژوازی مسئولان اتحادیه به طور منظم عمومیت دهنده ی خالقی خرده - بورژوازی در میان کارگران است که به عنوان مانع علیه شیوه تفکر پرولتاریائی می باشد:

- کم روئی در برابر فرض غیرحمله ای بودن سرمایه انحصاری: «آنها کارمورد پسندشان را انجام می دهند».

- درک گردن سیاست سود حداکثر: «اگر من به جای آنها بودم، همان کار را می کردم».

- تجلیل از سرمایه داری انحصاری دولتی: «علام غمامی مسائل، کارگر هیچ گاه آن را خوب به اندازه ای امروز نداشته است.» پذیرش کمترین شرارت: «کمی دید انسانی، بهتر از نداشتن هرگز آن است. چیزیسترنی هم به هر حال از آن بیرون نخواهد آمد».

- یک رکود شغلی یا محلی در جاهانی با ویژه گیها و سنتهای بخششی فردی یا کل کارگران برتر از منافع مشترک طبقاتی مورد مبارزات است: «هر چیزی در معدن مقاومت است».

- غرق شدن در مسائل خانواده گی یا طرحهای شخصی، در حدی که فرد نتواند برای شرکت در مبارزه انقلابی طبقاتی وقت بیابد: «قاطی شدن در سیاستها؟ من خیلی کارخصوصی برای انجام دادن دارم و راضی هستم».

- ناراضی بودن در انجام فدایکاریها در اهداف مشترک: «ما در اعتصاب بدون پرداخت روزهای در اعتصاب بودن شرکت نمی کنیم!».

- مردد بودن از نماینده گان که به جای آنها عمل کنند: «چرا من باید آنها را انتخاب کنم اگر آنها برای من هیچ کاری نکنند؟».

- فقدان اعتماد به هم ردیف خود: «شما حتا یک مشت از مردم موافق باهم و با منافع مشترک نمیباید».

- پذیرفتن نظر ناسیونالیستی: «به من چه که به وضعیت دیگر کشورها توجه کنم؟ ما مسائل زیاد خود را داریم که باید در درجه اول حل کنیم».

- شک داشتن نسبت به جنبش انقلابی طبقه کارگر و سوسیالیسم: «اگر یک حزب کارگری به قدرت برسد، به زودی اصول خوب خودش را فراموش خواهد کرد».

رویزیونیستهای مدرن در حزب کمونیست

«وحدت اقتصادی و سیاست اجتماعی» جای گزین شد. به اصطلاح «دستاوردهای سوسیالیستی برای طبقه کارگر» نظری محل آزاد بازی بچه ها، سیستم سلامتی عمومی اجتماعی، خانه ارزان و قیمت پائین حمل و نقل عمومی، امکانات فرهنگی و ورزشی برای توده ها، رفته های از بالا تضمینی جهت دار بودند. اینها به عنوان پرده ای برای کنترل کامل وسایل تولید و ارزش های کارگران و کشاورزان بودند که توسط سرمایه داری بوروکراتیک انحصاری و سوسیال - امپریالیست اتحادشوری که مشتریان نواستعماری در ج.د.آ. بودند، به اجرا درآمدند. اکثریت بزرگ کارگران با قصور آشکار و همراهی با نظام تا آنجا که آرام بگیرند آشتی کردند.

تحت شعار «شخصیت سوسیالیستی» - و به کمک نظام مزایای مادی برای بوروکراسی حزبی باخبراز همه چیز - مقام پرستی، مزایخواهی و ترسوئی اخلاقی پرورانده شدند. یک بررسی مخفی انجام گرفته در پائیز ۱۹۸۸ توسط والتر فردریک راس «انستیتوی مرکزی تحقیق از جوانان لایبزیک»، برای اگون کرنس و لیعهد شخصی هونکر، با سرخورده گی کامل توضیح داد که ح.و.س. به مردم به صورت «مخلقان عادت می نگرد...» که باید گفت تنها راههای درست فکر و رفتار را بیاموزند.» چنین تصویری از مردم «محصول و تولیدکننده قدرت آگاهی، رهبرتوده ها، مناسبات آموزگار - شاگرد بود، و مردم را واداری کرد تا «از طریق الگوهای هم گون گرانی، قیمومیت و فرمان برداری فکر کنند.» ازیک سو، «فعالیت، اعتماد به نفس، خلاقیت جوانان» در خواست می شد، «از سوی دیگر، عکس العمل در برابر گامهای انحرافی، افکار، ملاحظات انتقادی جوانان غیرقابل تحمل بود. انتقاد از پائین نسبت به بالائیها غیرقابل قبول بود، که یا نادیده گرفته می شد و یا حذف می گردید. ... از سوی دیگر، این ترجیح دادن به تمایل نسبت به گروههای غیررسمی، دارودسته، جنبشها(کلیسیا، حفاظت از محیط زیست، انواع گروههای تفریحی) را توضیح می دهد...» (به نقل از : ضمیمه پارلمان هفته گی، ۳ دسامبر ۱۹۹۳، صص ۱۱، ۱۲)

هیچ کدام از رهبری ح.و.س. توسط رویزیونیسم کور نشده و قادر به جواب دادن به اصل انتقاد از خود بودند، و نه وضعیت فاجعه بار اقتصادی در ج.د.آ. اجازه می داد که نیت خوب سیاسی توده ها را با بالابردن سطح زنده گی خرید. افزایش شکاف

پیشگامان ارنست تلمن با ۹.۹ میلیون عضو. - حدود ۵.۹ میلیون نفر متعلق به فدراسیون اتحادیه آزاد آلمان(ف.ا.آ.) تحت هدایت ح.و.س.

- «بلوک احزاب» (د.م، د.آ، د.م. و ح.ک؛ یعنی دموکراتهای مسیحی، دموکراتهای لیبرال، دموکراتهای ملی و حزب کشاورزان) سوگند به «سوسیالیسم حقیقی» خور دند باهم تقریبا نیم میلیون عضو داشتند.

- بیش از ۵۰۰۰۰ نفر متعلق به انجمن کمک مشترک کشاورزان (ا.ک.م.ک) بودند، ۵.۱ میلیون به مجمع دموکراتیک زنان(م.د.ز)، بیش از ۲۵۰۰۰ نفریه مجمع فرهنگی آلمان، بیش از ۶ میلیون به انجمن دوستی آلمان - سوروی وغیره.

عضویت در ح.و.س. یا یکی از احزاب بلوک، لازمه ای جلوگاذن در جامعه ج.د.آ بود. این با منحل کردن بالفعل توسط خود ح.و.س. در ۱۹۸۹ - ۱۹۹۰ با بیش از ۲ میلیون ترک عضویت از حزب به علت نتیجه روابط جدید قدرت تایید شد.

حاکمیت سرمایه داری - بوروکراتیک در ج.د.آ. شکل یک دموکراسی محدود بورژوازی تحت مرکزیت پذیرفته شده بود.

حقوق عمومی شدیداً محدود بود. تحت بهانه ی «شراكت»، مثلاً آزادی اطلاعات و آزادی انجمن وسیعاً از بین رفته بود. قابل مقایسه با وضعیت آلمان غربی طی اجرای دقیق دوره قدغن کردن حزب کمونیست آلمان از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۸، و غیرقانونی بودن خواندن و پخش نشریات انقلابی علیه قدرت دولتی. کنترلهای دقیق و دادگاه جنائي مردم را از آشنا شدن شان با انتقاد اساسی از رویزیونیسم حزب کمونیست اتحادشوری و حزب واحد سوسیالیست توسط مائوتسه دون و دیگر مارکسیست - لینینیستها و تحلیل استقرار مجدد سرمایه داری منع می شد. به هر اشاره دموکراتیک، از جمله توسط مخالفان مارکسیست - لینینیست، انگ «تلashهای ضدانقلابی دشمن طبقاتی» زده می شد و توسط سرویس امنیتی دولتی سخت حذف می شد.

با وجود این، سیستم سیاسی سرمایه داری بورکراتیک نمی توانست بیشتر از سه دهه زنده بماند چنان چه حاکمان یاس رویزیونیستی خودشان را با امتیازات مادی خراب نمی کردند. به ویژه بعد از والتر اولبریشت، اریک هونکر به عنوان دیراول ح.و.س. و احتمالاً به عنوان جوابی به رفته های اجتماعی در آلمان غربی در ۱۹۷۱، سودهای اجتماعی تحت عنوان

▶ و من باید واقعاً بپذیرم که تسليم این ایده آل بودم و من هم چنین برای نظر بودم که دارودسته ناتوان پیر قیمی باید کنار می رفتند. بدین ترتیب در جائی در سطح پائین، باید مردمان زرنگی باشند که می دانند چه می خواهند و از جیب شان نقشه هایی در می آورند، و راه را می شناسند و به هر حال چیزها شروع به راه افتادن دوباره خواهند کرد. و این چیزی بود که به هر حال ما بدان باور داشتیم.» (به نقل از «سیاست ۲۵ و دو تاریخ»، ضمیمه پارلمان هفته، ژوئن ۱۹۹۳، ص. ۴۲)

مبارزه طبقاتی مورد قبول رهبران رویزیونیست ح.و.س. تنها در خارج از ج.د.آ بود. ولی نیروی عمد در این مبارزه جنبش طبقاتی بین المللی کارگران و جنبش های رهایی بخش ضد امپریالیستی نبودند. آوه نه، این «اردوگاه سوسیالیست» و قدرت نظامی اش پیمان ورشو به رهبری اتحاد شوروی بود. این تحت تاثیر هر رویزیونیستی در تکر طبقه کارگر ج.د.آ. بود که حمله به چکسلواکیا با اجتماع رویزیونیستی مل در سال ۱۹۶۸ با مقاومت اندکی پذیرفته شد، و هم چنین در مخالفت اندک، و هم چنین در مخالفت با حمله سوسیال - امپریالیستی اتحادشوری به افغانستان شکست خورد.

تنها طبقه کارگر آموزش دیده با مارکسیسم - لینینیسم قادر به دیدن ارتاد رویزیونیستی او لبریشت در ۱۹۵۶ و درک این که او از راه یک آلمان سوسیالیست دور شده است. اما در ج.د.آ. یک ایده نولوژی دروغین مارکسیست - لینینیست مورد اعتماد توده ها به روش های اداری پذیرفته شده بود. کلاس های آموزشی نه برای ارتقاء تفکر مستقل و عمل با روحیه مارکسیسم - لینینیسم بلکه تفکر خرد - بورژوازی در شکل یک انجام دگر ای خشک و جمع آوری نقل قولها بدون حامل پر ایک اجتماعی، آموزش داده می شد. به سختی کسی می توانست از این بارش شدید بدون وقفه ایده نولوژیک - سیاسی فرار کند. اکثر ۱۷ میلیون ساکن ج.د.آ. در احزاب رویزیونیست - کنترل شده و سازمانهای توده ای ادغام شده بودند:

- حزب واحد سوسیالیست (ح.و.س.) در نقش «پیشرو مارکسیست - لینینیست» ۳.۲ میلیون عضو در ۵۸۰۰۰ واحد های پایه را سازمان داده بود. ۵۰۰۰۰ نفر از آنان در فهرست کادرها قرار داشتند و به طور تمام وقت در حزب، دولت و اقتصاد و رشته های فرهنگی کار می کردند.

- جوانان آلمان آزاد(ج.آ.آ.) ۲ میلیون عضو داشت. سازمان مربوط به کودکان،

کنند شغلها در آینده از طریق جسارت و نوآوری می باشند.» (همانجا - مقدمه) صدر اتحادیه کارگران فلزکار کلاوس زویکل وظایف عمدۀ جدید اتحادیه ها را چنین می بیند:

«جست و جو با کارمندان برای راههای هوشمندانه جهت حل مسائل فروش با نوآوریهای بخش تولیدی، آموزش کارمند، ساختار وسائل تولید و سازمان دهن کار. این نقطه مرکزی بحث در آینده است: چه گونه ما می توانیم از نظر رقابت و کیفیت، از طریق نوسازی منطقی اجتماعی، اقتصادی دست آورده داشته باشیم. و نهایتا و نه اقلای: چه گونه ما می توانیم رشد اقتصادی و نظام اجتماعی را شکل داده و بیشتر کنیم تا آینده کار را تامین نمائیم] مثلاً مزدکار سرمایه داری و بدین ترتیب کل سرمایه داری را - ناشران راه انقلابی [». (هفته نامه کارخانه

ها، شماره ۶، ۱۹۹۴، ص. ۳۸۵)

این دیدگاه جدید پایه تغییر تاکتیکها بود که انحصارات باهم و با رهبری اتحادیه فلزکاران (ای.گ.متال) در پائیز ۱۹۹۳ در اوج مبارزات مستقل کارگران گرفتند. پیش از هارتن، رئیس هیئت اجرائی فولکس واگن، مسئول مدیریت کارکنان، اندرزی بیرون داد: «۴ روز کار در هفته با کارخانه ۵ روز باز در هفته. کم کردن ساعت کار همراه است با کم کردن پرداخت» (هفته نامه متال ۱۲ نوامبر ۱۹۹۳ ای.گ. متال). بوروکراسی اتحادیه رفرمیست این را در قالب ساعت کار بدون پرداخت مزد «مدل روش خودمان در بحرانها به طریق اجتماعی قابل قبول» مطرح ساخت.

تا به حال نه شیوه تفکر رفرمیست و نه شیوه تفکر رویزیونیستی در میان توده ها نتوانسته اند خواست غالب آنان در تحقق سوسیالیسم را بدون وسیله ای در رسیدن به آخر روش کنند. تجربه تاریخی با سرمایه داری بوروکراتیک درسهای مهمی برای آینده سوسیالیستی به جا گذاشت. اگر طبقه کارگر این درسها را بتواند بیاموزد، قادر به تهاجم مجدد خواهد شد. در آلمان مجدد متعدد شده، طبقه کارگر شرایطی عالی برای چنین تهاجمی دارد. (پایان سوسیالیسم؟ ص. ۱۴۶)

بحران اکنون سود به دست آوریم، چون که اکنون مردم آماده شده اند.» (فرانکفورتر روندشاو ۲۸ ژوئن ۱۹۹۳)

اما این یک حساب بسیار غلطی را ثابت کرد. سرمایه انصاری متند کوری را جلب کردند چون که توده ها حاضر به پذیرش سیاست اجتماعی برگشت به عقب انحصارات نبودند. بحران سیاسی ج.ف.آ. ناشی از مبارزه توده ها، در اثر سیاست متلاشی کردن رفمهای اجتماعی، هم راه با بحران آشکار رفرمیسم گردید.

این هم سوئی ایده نولوژیکی و سیاسی رفرمیسم را ضروری ساخت. آن چه که مونوپولها در گزارش ۱۹۹۳ آن را «استراتژی تهاجمی آماده سازی قرن ۲۱» ف.ص.آ. نامیدند، دیدگاه تهاجم استثماری در ظاهر توهّمات رفرمیستی خرد - بورژوائی بود:

«اولاً، شهر وندان باید آگاه شوند که آلمان درست هم اکنون گودال اقتصادی زود گذری نیست که زود یا دیر یک بهبود ما را از این وضع بیرون می آورد. مسائل ساختاری، بهای بحران و بی کاری وسیع با بهبود به تنهایی در آینده حل نخواهد شد. ... آلمان در معرض خطر جدانکردن به قدر کافی سریع خودش از ساختارهای صنعتی سنتی و جای گزین کردن مواعن زیادی درجهت نوسازی، صنایع رو به جلو فرار گرفته است. بهای زیاد کار نه تنها قابلیت رقابتی بین المللی ما را به خطر می اندازد...» (ف.ص.آ. - بریخت ۱۹۹۳، صص ۹، ۱۰)

سازگاری بدون اشتباہ محصول هیئت وسیع اجرائی حزب سوسیال دموکرات در انتظار پیروزی در انتخابات با رهنمودهای ف.ص.آ.در « برنامه دولتی ۱۹۹۴ » عبارت بود از:

« مدت زمان با ارزشی که طی آن تطبیق لازم ساختاری می باشی صورت می گرفت بدون استفاده سپری شده است. در تمامی آلمان، اقتصاد، دولت و جامعه باید اکنون به طور قابل فهمی مدرن بشود. رفاه، شغلها، بیمه اجتماعی و پایه های فرهنگی زندگی تنها زمانی می توانند به طور دائمی حفظ شوند که اقتصاد آلمان کارآ و قابل رقابت در سطح بین المللی باشد.» (برنامه دولت ح.س. د.آ. - رfrm برای آلمان، ص ۱۱) با در نظر گرفتن تقریباً ۹ میلیون شاغل کنونی، این اوج عوام فریبی سوسیال - دموکراسی در این مورد یعنی رهبران ح.س. د.آ. در چاپلوسی انحصارات است که مسئولیت این وضعیت را به مثابه «صاحبان کار دارند، کسانی که به وظایف خودشان آگاهند، تامین

تکنیکی و اقتصادی با غرب طی دهه ۸۰ نقطه پایانی به رفمهای اجتماعی از بالا درج.د.آ گذاشت. وقتی که موج پناهنده گان فراری از کشور در سال ۱۹۸۹ شروع شد - شیوه « رای دهی » مردم علیه نظام ج.د.آ. - سوسیالیسم حقیقی جعلی موجود در ج.د.آ. منفجر شد نظام ج.د.آ. در بحران سیاسی عمیقی فرو رفت که هم راه بسیار نزدیک با بحران رویزیونیسم مدرن بود. اپوزیسیون عمومی مبارزه جو به منظور تحقیق حق دوباره ملحق شدن [دو آلمان - مترجم] رشد کرد. به علت برتری پایه شیوه تفکر خرد - بورژوائی در این جنبش، برای بورژوازی انحصاری آلمان غربی ساده شد تا رهبری آماده کار از طریق کلیسیاها و بلوک احزاب استقراریابد و عناصر پرولتاریائی را به صحنۀ بکشاند. اما اتحاد مجدد هم چنین راه ساختن ام.ال.پ.د. را در سرزمین ج.د.آ. فراهم ساخت. حزب سازی با پیروزی کارگران بر درهم شکسته شدن درونی، نظری، احساسی و عملی، اثرات جعلیات رویزیونیستی به طور نسبی رشد کرد. انحصارات ج.ف.آ. به سیاست ضربه زدن به دستاوردهای اجتماعی در آلمان غربی در شروع بحران اقتصادی ۱۹۸۱ - ۱۹۸۳ جهانی گرویدند. در میان توده هاشک و تردید و بی اعتمادی نسبت به قولهای رفرمیستی رشد کرد. رفرمیسم با بحرانی پوشیده مورد حمله واقع شد.

در بحران اقتصادی جهانی ۱۹۹۱ - ۱۹۹۳، فراخوان نماینده گان بالای انحصارات سرمایه برای کاهش شدید مزدها و مزایای اجتماعی پرسروصداتر و پرسروصداتر شد. رئیس اجرائی رسمی ب.ام.و. ابرهارد فون کونهایم، با پرروئی مغرو رانه ای در ژوئیه ۱۹۹۲ به کارگران خطاب کرد:

« ما تمایلی مشکوک به ول کردن ضبط کردنها - ضبط کوتاه ترین ساعت کار، طولانی ترین غیبتهای ناشی از به اصطلاح ناخوشی، طولانی ترین تعطیلیها، مطمئنا جسورانه ترین حفاظت از محیط کار، و پرسروصداترین شکایتها در اظهاری دلیل مزد بسیار کم و کار بسیار سخت پیدا کرده ایم.» (فرانکفورتر روندشاو ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۲) انحصارات مطمئن نبودند توده ها چه عکس العملی با این پیشنهاد خواهند داشت. اما با مبارزه آنها علیه « روحیه اسم گذاری نابه جا » انتظار داشتند که قادر به مطیع ساختن توده ها شوند. تیل نکر، مقام رسمی بالای آنها، در فدراسیون صنایع آلمان (ف.ص.آ.)، در فوروم سیاسی دموکرات مسیحی در سال ۱۹۹۳ چنین پیش بینی کرد: « ما باید از این





ناکامی راس نظام...
بقیه از صفحه آخر

ویژگی های استعمارگری مختص

صهیونیسم

- شکل و شمایل استعمارگری اسرائیل با ویژگی های انواع و اقسام استعمارگری در تاریخ پانصدسال سرمایه داری تقاویت های کمی و کیفی دارند که شناخت ما از آن ها نقش قابل ملاحظه نه فقط از درک ما از مسئله تاریخی فلسطین بلکه در طرح و پیاده ساختن راه حل آن ایفاء می کند.

در دوران استعمار کهن که تا دهه دوم قرن بیستم طول کشید استعمارگری و مستعمره سازی عمدتاً دو نوع بودند . نوع اول استعمار بر اساس تسخیر فیزیکی مستعمرات و سپس الحق و ضمیمه آنها به بدنه ارضی امپراطوری ها بود . معروفترین این نوع امپراطوری های استعمارگر عبارت بودند از: امپراطوری های عثمانی، روسیه تزاری، المان قیصری و اتریش - هنگری که با پایان جنگ جهانی اول در ۱۹۱۸، به آخر عمر خود رسیدند . نوع دوم استعمار بر اساس تسخیر فیزیکی و سپس سکونت دادن مستعمره چیان در آن مستعمرات بود . معروفترین این نوع استعمارگری، عبارت بودند از: استعمار قاره آمریکا و سرزمین های استرالیا، زلاند جدید در قاره اقیانوسیه توسط عمدتاً امپراطوری های بریتانیا و هلند و سکونت دادن مستعمره چیان به همراه انهدام فیزیکی بومیان این سرزمین ها با اعمال قتل عام های مداوم و ارتکاب به نسل کشی . نمونه های دیگر این نوع استعمارگری تسخیر الجزایر توسط امپراطوری فرانسه در دهه سوم قرن نوزدهم و تسخیر کشور آفریقای جنوبی در اواخر قرن نوزدهم توسط امپراطوری انگلستان بودند . ولی استعمارگران در این کشورها نتوانستند به هدف خود (مستعمره سازی سکونت گاهی) نایل آیند . جنبش رهایی بخش ملی در الجزایر در دهه های ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم و جنبش ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی در دهه های ۷۰ و ۸۰ همان قرن، استعمارگران امپریالیستی فرانسه و انگلستان را در این دو کشور با ناکامی رو برو ساخت.

- در هر دو نوع از استعمارگری هدف اصلی اقتصادی استعمارگران عمدتاً تاراج منابع طبیعی و زمینی و استثمار نیروهای انسانی در این مستعمرات بوده و در فاز فعلی جهانی گرایی سرمایه نیز از طریق اعمال سیاست های نواستعماری "بازار آزاد" نتولیبرالی و استقرار حاکمیت های بومی کمپرادور آن هدف را به پیش

و ولائی در اسلام) نیز صدق می کند.

- صهیونیسم به هیچ وجه یک انگاشت و یا جنبش دینی - مذهبی نبود بلکه و پیوسته یک جنبش صرف ای ای سیاسی با هدف تسخیر قدرت بوده است . کلیه رهبران معنوی صهیونیسم و دولتمردان اسرائیل (از تئودور هرتسل در ربع آخر قرن نوزدهم گرفته تا تایاهو در حال حاضر) علی رغم ادعاهایشان هیچ کتاب و یا مقاله ای درباره تئولوژی ، فلسفه دینی یهودیت و مسائل مربوط به جامعه شناسی مذهبی ننوشتند . آنها در این صد و پنجاه سال گذشته عموماً درباره مسائل سیاسی ، شیوه های مختلف تسخیر قدرت و گسترش و بسط کشور و دولت اسرائیل در خاورمیانه قلم فرسانی کرده و برخلاف علمای دینی محافظه کار و لیبرال یهودی (ولی غیر بنیادگرا و حتی ضد بنیادگرا) هیچ اثری از خود در زمینه های فرهنگی ، فلسفی و علمی داشته اند . این امر در مورد رهبران، فعالین و دولتمردان بنیادگرای دیگر ادیان و مذاهب از ولائی کلام در یهودیت، به جا نگذاشته اند . این امر در سریعه و فلسفه های خاورمیانه بزرگ و جدید قرار دارند ، با ناکامی رو برو گشته اند . نگارنده در ماه های اخیر در همین نشریه طی یک نوشتار علی اصلی ناکامی امریکا در سوریه را مورد بررسی قرار داده است . در این نوشتار بعد از بررسی مولفه های ایدئولوژیکی صهیونیسم به عنوان یک بنیادگرایی دینی به سان دیگر بنیادگرایی های دینی و مذهبی، به علی ناکامی راس نظام در حل مسئله فلسطین به نفع صهیونیسم و دولت برآمده از آن در اسرائیل پرداخته می شود.

- صهیونیسم دقیقاً به خاطر ماهیت استعمارگرایانه اش ضرورتاً متحد با (و

وابسته به) پدیده امپریالیسم است ، تا سال ۱۹۶۷ و جنگ شش روزه اعراب - اسرائیل، دولتمردان اسرائیل و جنبش سیاسی و دولت برآمده از آن در اسرائیل، اساساً یک پروژه استعماری است و تلاقی بین اسرائیل و فلسطینی ها مبارزه بین استعمارگران و مردم استعمار شده کشور فلسطین است . براساس این امر و برخلاف کشورهای عربی ، امریکا با استفاده از تضعیف کشورهای فرانسه و انگلستان پروسه رشد موقعیت هژمونیکی خود را در خاورمیانه شدت بخشدید و به تدریج وابستگی اسرائیل به امپریالیسم آمریکا را افزایش داد . بعد از وقوع جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ و شکست نکبت وابستگی اسرائیل به راس نظام ، حتمیت پیدا کرد . در عرض نزدیک به پنجاه سال گذشته دولت اسرائیل به عنوان یک "متحد" و "شريك" آمریکا در خاورمیانه به نفع "انحصارات پنجگانه" حاکم بر وال استریت و اولیگارشی دو حزبی آمریکا عمل کرده و به پروسه استعمارگری مختص صهیونیسم عليه مردم فلسطین شدت بخشدید است .

اشعه و گسترش جنگ های مرئی و نامرئی تعدادی از این کشورهای "جلو جبهه" را با بحران های گوناگون به ویژه پروسه فلاتک بار بالکانیزاسیون (تجزیه کشورها به مدل یوگسلاوی سابق در منطقه بالکان) رو برو سازد . تا حالا از کشورهای جلو جبهه (افغانستان، عراق، لیبی و به درجه ای پاکستان، یمن و سومالی) عمل بالکانیزه گشته اند و یا در حال بالکانیزه شدن هستند . ولی دولتمردان امریکا حافظ در حال حاضر و به احتمال قوی در آینده در امر پیشبرد سیاست جهانی خود در دو کشور جلو جبهه (سوریه و فلسطین) که از نظر ژئوپولیتیکی و سوق الجیشی در قلب خاورمیانه بزرگ و جدید قرار دارند ، با ناکامی رو برو گشته اند . نگارنده در ماه های اخیر در همین نشریه طی یک نوشتار علی اصلی ناکامی امریکا در سوریه را مورد بررسی قرار داده است . در این نوشتار بعد از بررسی مولفه های ایدئولوژیکی صهیونیسم به عنوان یک بنیادگرایی دینی به سان دیگر بنیادگرایی های دینی و مذهبی، به علی ناکامی راس نظام در حل مسئله فلسطین به نفع صهیونیسم و دولت برآمده از آن در اسرائیل پرداخته می شود.

صهیونیسم چیست و چه می گوید ؟

- صهیونیسم به عنوان یک انگاشت و جنبش سیاسی و دولت برآمده از آن در اسرائیل، اساساً یک پروژه استعماری است و تلاقی بین اسرائیل و فلسطینی ها مبارزه بین استعمارگران و مردم استعمار شده کشور فلسطین است . براساس این امر و برخلاف ادعا های بخشی از متقدکرین پسا- مدرنیست و بنیادگرایان دینی و مذهبی، صهیونیسم یک جنبش تئولوژیکی و فلسفی نبوده و بلکه به عنوان یک بنیادگرایی دینی یکی از پی آمده های فاز معین تاریخ تکامل سرمایه داری در اروپای "عهد زیبا" (دوره "صلح مسلح" = ۱۹۱۷ - ۱۸۸۴) می باشد . به عبارت دیگر صهیونیسم نیز مثل دیگر جنبش های بنیادگرایی دینی - مذهبی از لایلای متون کلاسیک دینی و مذهبی یهودیت و یا از درون جوامع یهودی نشین بیرون نیامده و بلکه از تبعات حرکت سرمایه در سطح جهانی (گلوبالیزاسیون) است . این امر در مورد دیگر جنبش های ارتقای بنیادگرایی دینی - مذهبی (هندوتوا در هندو ایسم ، ایونجلیکا در مسیحیت، لامائیسم در بودائیسم، سلفیسم تکفیری، دیوبندی، اخوانی



رسانه های گروهی جاری فرمانبر و لابی های متعلق به صهیونیست های ابرسرا می دار درون "یک در صدی ها" نقش بزرگی در این آشتفتگی ها ایفاء می کنند.

- امروز بیش از هر زمانی در ۶۵ سال گذشته که از عمر واقعه "نکبت" و مسئله فلسطین می گذرد، به خاطر پیاده کردن پروره جهانی راس نظام در خاورمیانه بزرگ، حقوق مردم فلسطین مورد یورش و تخریب قرار گرفته است. با اینکه سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) و دولت خودگردان برآمده از آن برنامه های اسلو، مادرید و حتی "نقشه راه" وشنگتن در ۲۲ سال گذشته دوره بعد از "جنگ سرد" را پذیرا گشت، ولی این دولت اسرائیل بود که تمام مقررات آن سه معاهده را زیر پا گذاشت و برنامه تاسیس و گسترش شهرک ها و سکونت گاه را بیش از پیش در بخش کرانه غربی و شرق اورشليم ادامه داد. مسافت دولت اسرائیل در همین دوره با بمباران و حملات نظامی و امنیتی به مناطق فلسطینی شرایط را برای یک شیفت و جهش در انتظار و افکار عمومی مبنی بر حل مسئله فلسطین از طریق مذکرات آمده ساخت.

- این شرایط که منبعث از افزایش قدرتی بنیادگرایان یهودی (صهیونیست ها) در حکومت رژیم اسرائیل به رهبری نتانیاهو و حمایت همه جانبی جناح های سیاسی مختلف (به ویژه نو محافظه کاران) درون هیئت حاکمه آمریکا در سال های ریاست جمهوری جورج بوش پسر و سپس باراک اوباما می باشد، بالاخره اتوریته (آمریت) و پرستیز ساف را که نزدیک به چهل سال از محبوبیت و مشروعيت قابل توجهی بین مردم فلسطین و مردمان کشور های جهان سوم برخوردار بود به طور قابل ملاحظه ای زیر سوال قرار داده است. به کلامی دیگر، افکار عمومی و به ویژه طرفداران حق تعیین سرنوشت و رهانی از یوغ بیگانه به حق ساف را متمهم کرند که آن سازمان بعد از سال ها مبارزه و تجربه اندوزی به طور ابلهنه و ساده لوحانه ای به دام 'صمیمیت و کرامت" دشمنان تاریخی خود (بنیادگرایان صهیونیست ، راس نظام و ارتجاج عرب) اقتاده است.

- به هررو امروز در تحت شرایط حاکم (تجزیه و بالکانیزاسیون سرزمین فلسطین) ، حمله های مداوم امنیتی و نظامی دولت اسرائیل به نوار غزه ، مناطق مختلف کرانه غربی و حتی اورشليم شرقی از یک سو و گسترش و بسط شهرک ها و سکونت گاه ها در بخش کرانه غربی و اورشليم

صهیونیسم زدائی ، کسب گردد. به عبارت دیگر مردم بومی فلسطین (اعراب فلسطینی) از هر نظر منجمله زبان ، فرهنگ ، زمین و تاریخ مشترک یک واحد ملی (ملت) محسوب می شوند. در صورتی که مردم اسرائیل بر خلاف ادعاهای صهیونیست ها متعلق به یک ملت و ملت نبود و به ملت های متفاوت (روسی ، لهستانی ، هلندی، آمریکائی ، ایرانی ، مصری ، مراکشی، اتیوپیائی، مکزیکی و...) تعلق دارند. این ترکیب بندی در شکل و شمایل دموکرافیکی اسرائیل از پی آمدهای عملکردی بنیادگرائی دینی (صهیونیسم) می باشد که اکنون نزدیک به ۶۵ سال است که در اسرائیل و دیگر مناطق اشغال شده فلسطین با حمایت همه جانبی راس نظام حاکمیت خود را اعمال می کند . توضیح اینکه اصول صهیونیسم نیز مثل دیگر بنیادگرائی های دینی - مذهبی (بنیادگرائی سلفیستی و ولائی اسلامی ، بنیادگرائی ایونجلیکای مسیحی، بنیادگرائی هندوتوا در هندوایسم ، بنیادگرائی لامایستی در بوداییسم) بر آن است که کلیه یهودیان جهان متعلق به یک "ملت" (امت یهودی) است. در صورتی که جامعه شناسی ترکیب جمعیت (دموکرافی) برخلاف ادعاهای این بنیادگرایان به ما می آموزد که پیروان این ادیان به ملت ها ، اقوام و ایلات متعدد و مختلف تعلق داشته و هیچکدام یک ملت و امت واحد را تشکیل نمی دهند که صاحب یک "ملت - دولت" واحد نیز باشند.

- بدون تردید عملکرد ایندولوژی صهیونیسم و به ویژه اعمال اصل امت گرائی آن در اسرائیل و مناطق دیگر سرزمین فلسطین نه تنها مردم فلسطین را از حق تعیین سرنوشت ملی محروم ساخته بلکه مسئله فلسطین را بیش از هر زمان در تاریخ ۶۵ ساله موجودیت اش به یک کانون گریه پیچیده در استراتژیک ترین منطقه جهان کنونی ، تبدیل کرده است.

ناکامی نظام در حل مسئله فلسطین به نفع صهیونیسم

- مسئله فلسطین (حق تعیین سرنوشت ملی توسط مردم فلسطین) علیرغم پیچیدگی هایش ، یک واقعیتی است که تمام ملل و خلق های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین آنرا حس و درک کرده و متفق القول هستند که حق مردم فلسطین پایمال گشته و باید از حقوق آن مردم دفاع کنند . ولی در اروپا و به مقدار زیادی در آمریکا هنوز مردم به خاطر تبلیغات بنیادگرائی صهیونیسم روی مسئله فلسطین یا متعدد نیستند و یا چار آشتفتگی فکری هستند

▶ می برند . اما نوع استعمارگرائی و مستعمره سازی صهیونیسم و هدف آن در سرزمین فلسطین با شکل و شمایل دو نوع استعمارگرائی کهن بطور کیفی و کمی تقاؤت دارند.

- هدف استعمارگرائی صهیونیسم (بر خلاف استعمارسازی الحقی روسیه تزاری در آسیای مرکزی و استعمارسازی سکونت زائی فرانسه در الجزایر و یا انگلستان در آفریقای جنوبی) در سرزمین فلسطین صرفا استثمار جمعیت بومی و یا تاراج منابع طبیعی آن نبوده بلکه هدف ایزوله سازی، اخراج و حتی در صورت امکان انهدام فیزیکی بومیان فلسطینی بوده و هنوز هم هست. در این استعمارگرائی نیروهای رهانی بخش بومی با مشکلی روبرو هستند که همراهان آنها در استعمارگرائی الحقی و یا سکونت زا با آن روبرو نبودند. در آن دو نوع استعمارگرائی تعداد استعمارچیان به مراتب درصد کمتری از کل جمعیت بومی آن مستعمرات را تشکیل می دادند. در صورتی که در سرزمین فلسطین (اسرائیل، ساحل غربی رودخانه اردن منجمله اورشليم و نوار غزه) در صد جمعیت اسکان یافته (اسرائیل های یهودی) مت加وز از ۶۰ در صد کل جمعیت ۱۰ میلیون نفری آن سرزمین را تشکیل می دهد و اگر اوضاع برایمن منوال به پیش رود این درصد افزایش خواهد یافت . با اینکه درصد تولد بین فلسطینی ها به مراتب بیشتر از درصد تولد بین اسرائیلی ها است ولی دولت اسرائیل با آوردن یهودیان از اکناف جهان به داخل اسرائیل و اسکان آنان در سکونت گاه های تازه ساخت در کرانه غربی (البته بعد از اخراج بومیان فلسطینی از خانه های خود) توازن در صد جمعیت را به نفع اسرائیلی ها و به ضرر بومیان تمام می کند . مضافاً با در نظر گرفتن این امر که صهیونیسم متعدد و شریک اصلی و با اعتبار راس نظام (آمریکا) در خاورمیانه است در نتیجه کسب آرمان های به حق مردم فلسطین (کسب استقلال و استقرار حاکمیت ملی از طریق صهیونیزم زدائی = استعمارزدگی) به مراتب برای مبارزین فلسطینی مشکل تر است.

- راه حل عادلانه و سیاسی مسئله فلسطین و پایان تلاقی خونین و جانگذار بین مردم فلسطین و دولت اسرائیل - که قدیمی ترین و طولانی ترین تلاقی در تاریخ معاصر جهان بوده و پیشینه اش به سال های بلاгласله بعد از پایان جنگ جهانی اول می رسد - تحقیقاً و بطور یقین نمی تواند بدون پروره



- مسئله و جنبه چهارم مربوط به اصل "حق بازگشت" است . بعد از استقرار کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۹ به تمام بیوهایان در سراسر جهان حق مهاجرت و سکونت و برخورداری کامل از حقوق شهروندی در اسرائیل داده شد، ولی به میلیون ها فلسطینی که در جنگ های متعدد اعراب - اسرائیل از سرزمین های اشغال شده خود به بیرون رانده شدند یا فرار کردند هیچوقت "حق بازگشت" داده نشد. با اینکه اکثر فلسطینی های رانده شده اکنون دهه هاست که در کشور های مختلف جهان سکونت کرده و امکانا خواهان بازگشت برای سکونت دائم در فلسطین نیستند، ولی هم دولتمردان فلسطینی و هم فلسطینی های مهاجر که تعدادشان امروز در خارج از فلسطین به متجاوز از ۵ میلیون نفر می رساند خواهان کسب حق بازگشت به سرزمین خود هستند.

- تضاد و یا علت پنجم عبارت از پدیده شهرک ها و سکونت گاه های یهودی نشین در درون اراضی فلسطینی نشین در منطقه ساحل غربی و در اورشلیم شرقی است که تعدادشان دائما در حال افزایش است. اگر یهودیان ساکن این شهرک ها و سکونت گاه ها که در داخل اراضی فلسطینی نشین قرار گرفته اند در آینده در کشور مستقل فلسطین (مجموعه ای از کرانه غربی ، نوار غزه و اورشلیم شرقی) حاکمیت دولت نوظهر فلسطین را پذیرند - به همان شکلی که نزدیک به یک و نیم میلیون فلسطینی های ساکن کشور اسرائیل حاکمیت دولت اسرائیل را علیرغم تبعیضات و احتجاف پذیرفته اند - در آن صورت مسئله شهرک ها و سکونت گاه ها به عنوان یک معضل و تضاد حل خواهد شد. ولی رشد اوضاع در اسرائیل (افزایش قدرقرتی جناح های افراطی صهیونیست ها در دولت نتانیahu از یک سو و رشد اندیشه های به غایت فاندامنتالیستی صهیونیستی در میان ساکنین این شهرک ها از سوی دیگر) نشان می دهد که احتمال پذیرش شهروندی کشور مستقل فلسطین از سوی ساکنین شهرک ها و دولت صهیونیستی بعید به نظر می رسد.

نتیجه اینکه

- در پرتو این معضلات و تضادها حل مسئله فلسطین از طریق راه حل استقرار و ایجاد دو کشور در کنار هم با اینکه از طریق تهدید، تطمیع و زور امکان دارد، ولی احتمال وقوع آن در چهارچوب پذیرش حق تعیین سرنوشت و حاکمیت ملی برای مردم فلسطین از سوی راس نظام و دولت

در سال ۱۹۴۹ به پیروی از اصولگرایی اندیشه های صهیونیستی حاکم بر رهبری دولت اسرائیل یک کشور و "دولت - ملت یهودی" اعلام شد . طبیعتا براساس اصل یهودیت حاکم مردمان غیر یهودی ساکن اسرائیل از حقوق شهروندی در زمینه های مختلف محروم گشتند . برخلاف دولتمردان اسرائیل (از بن گوریان تا نتانیahu) رهبران احزاب و سازمان ها و جریانات دیگر سیاسی درون سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) از همان آغاز حضورشان در صحنه کارزار علیه دولت بنیادگرای اسرائیلی ، پیوسته از اصل استقرار یک کشور سکولار ، مستقل و دموکراتیک در فلسطینی (که در آن همه فلسطینی ها بدون در نظر گرفتن دین، مذهب، ملیت و مراثمان از حقوق شهروندی به طور کامل و مساوی برخوردار خواهند بود) حمایت کردند. در عرض ۴۸ سال گذشته تا زمانی که سازمان ساف در

بین توده های مردم فلسطین تقویق سیاسی داشته و در بین ملل خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین، از اعتبار کم نظری بر برهه مند بود، اشاره مختلف مردم فلسطین (هم در داخل خود اسرائیل، اراضی اشغال شده و هم در بین فلسطینی های مهاجر و تبعیدی در سراسر جهان) با پیروی از اصول سیاسی ساف باورمند به استقرار فلسطین مستقل، سکولار و دموکراتیک بودند . ولی با پیدایش و رشد سازمان حماس از اوایل دهه ۱۹۸۰ به این سو ما شاهد ظهور و عروج اندیشه استقرار "فلسطین اسلامی" در مقابل با "اسرائیل یهودی" گشته که در این تقدیر اسرائیلی ها به درستی طبق قوانین بین المللی و مصوبات سازمان ملل متحد بر این باورند که حاکمیت ملی وقتی که در یک کشوری اعلام می شود دولت آن کشور کنترل کامل بر نیروهای نظامی و امنیتی خود منجمله بر پروازهای هوایی بر فراز آسمان خود کسب می کند . اسرائیلی های متعلق به مکتب بنیادگرایی صهیونیسم که دولت را در اختیار دارند این تعریف را نمی پذیرند و تعریفی که از حاکمیت ملی دارند یک "حاکمیت محدود" است.

- علت و یا جنبه دوم، موضوع دموکراسی در داخل اسرائیل در ارتباط با امر شهروندی است. آیا بعد از استقرار دو کشور هنوز غیر یهودی های ساکن اسرائیل هم چنین از حقوق شهروندی خود در اسرائیل مثل حالا محروم خواهند ماند؟ در حال حاضر از جمعیت نزدیک به شش میلیون نفری کشور اسرائیل متjaوز از یک میلیون و نیم نفر غیر یهودی (عمدتاً مسلمانان و مسیحیان فلسطینی و مسیحیان ارمنی) هستند که از حقوق شهروندی خود در اسرائیل محرومند.

- جنبه و علت سوم عبارت از ماهیت و خصلت این دو کشوری است که دولت اوباما با موافقت دولت اسرائیل و دولت خود گردان فلسطینی می خواهد بر اساس راه حل ایجاد دو کشور بوجود آورند. آیا کشور فلسطین یک "کشور اسلامی" و کشور اسرائیل نیز مثل حالا یک "کشور یهودی" اعلام خواهند گشت؟ به عبارت دیگر آیا این دو ملت - دولت دو کشور سکولار یا دو کشور مذهبی خواهند بود؟ کشور اسرائیل

▶ شرقی از سوی دیگر)، آیا راه کار و راه حل ایجاد دو کشور فلسطین و اسرائیل در کنار هم می تواند به وقوع پیوسته و به مسئله فلسطین که در حدود ۶۵ سال هسته اصلی اکثر مشکلات و مسائل متتنوع و متعدد خاورمیانه محسوب می شود، خاتمه دهد؟

- مفسرین و تحلیلگران هم ضد نظام و هم بخش از طرفداران خود نظام عموماً متفق القولند که راهکار ایجاد "دو کشور" در کنار هم اگر در دوره های گذشته عملی، مناسب و لخواه به نظر می رسید امروز نه تنها در انتظار عمومی فلسطینی ها بلکه در بین اسرائیلی ها نیز بی مورد ، نامناسب و حتی غیر ممکن محسوب می شود. به چندین علت این شیفت در انتظار عمومی مردم فلسطین نسبت به راهکار ایجاد دو کشور در کنار هم به وجود آمده که در اینجا به بخشی از آنها اشاره می شود.

- علت اول تعریف حاکمیت ملی است . فلسطینی ها به درستی طبق قوانین بین المللی و مصوبات سازمان ملل متحد بر این باورند که حاکمیت ملی وقتی که در یک کشوری اعلام می شود دولت آن کشور کنترل کامل بر نیروهای نظامی و امنیتی خود منجمله بر پروازهای هوایی بر فراز آسمان خود کسب می کند . اسرائیلی های متعلق به مکتب بنیادگرایی صهیونیسم که دولت را در اختیار دارند این تعریف را نمی پذیرند و تعریفی که از حاکمیت ملی دارند یک "حاکمیت محدود" است.

- علت و یا جنبه دوم، موضوع دموکراسی در داخل اسرائیل در ارتباط با امر شهروندی است. آیا بعد از استقرار دو کشور هنوز غیر یهودی های ساکن اسرائیل هم چنین از حقوق شهروندی خود در اسرائیل مثل حالا محروم خواهند ماند؟ در حال حاضر از جمعیت نزدیک به شش میلیون نفری کشور اسرائیل متjaوز از یک میلیون و نیم نفر غیر یهودی (عمدتاً مسلمانان و مسیحیان فلسطینی و مسیحیان ارمنی) هستند که از حقوق شهروندی خود در اسرائیل محرومند.

- جنبه و علت سوم عبارت از ماهیت و خصلت این دو کشوری است که دولت اوباما با موافقت دولت اسرائیل و دولت خود گردان فلسطینی می خواهد بر اساس راه حل ایجاد دو کشور بوجود آورند. آیا کشور فلسطین یک "کشور اسلامی" و کشور اسرائیل نیز مثل حالا یک "کشور یهودی" اعلام خواهند گشت؟ به عبارت دیگر آیا این دو ملت - دولت دو کشور سکولار یا دو کشور مذهبی خواهند بود؟ کشور اسرائیل



۶ - یونس پارسا بناب، "شصت و سه سال بعد از واقعه نکبت": کالبد شکافی مسئله فلسطین و راه کار حل آن"، در مجله اینترنتی "هفته"، اوت ۲۰۱۱.



به تارنماهای اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaron-line

سایت آرشیو روزنامه
رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

هم مردم فلسطین اشغال شده ضروری است که به این امر باورمند باشند که فلسطینی ها و یهودیان اسرائیل مسئول و عامل وجودی مسئله فلسطین و تضادهای منبعث از آن نیستند. این مسئله تاریخی و معضلات منبعث از آن در ۶۵ سال گذشته محصول سیاست ها و عملکردهای خاورمیانه می باشند. با اینکه این نظام در گذشته قادر به حل مشکلات، بحران ها و تضادهایی که به دست خود بوجود می آورد، می گشت ولی امروز این نظام که به مرحله پیری و فرتوتی عمر خود رسیده قادر نیست که مثل گذشته تمام تضاده را حتی به نفع ادامه بقای خود حل کند و مسئله فلسطین نیز یکی از آن تضادهاست.

- در تحلیل نهائی، بحران فرود و ریزش قدرتمندی، پرستیز و نفوذ آمریکا و افزایش درجه بی اعتباری و نامحبوبی آن در سراسر کشورهای جهان از یک سو و لاجرم عروج امواج خروشان بیداری و رهائی مردم به ستوه آمده و بروز مخالفت ها توسعه بخشی از متحدین و شرکای خود راس نظام هماره با مخالفت های تعدادی از کشورهای نوظهور متعلق به "بریکن" (روسیه، برزیل، چین، آفریقای جنوبی و هندوستان) در صحنه جهانی نسبت به سیاست های جنگی و هژمونی خواهی آمریکا از سوی دیگر به نیروهای چپ سکولار، دموکراتیک و ضد بنیادگرا فرست دیگری داده که در این برده از تاریخ حد نهائی حمایت را به رهائی مردم فلسطین از بوغ آپارتاید و بالکانیزاسیون انجام داد و بدین وسیله به امر ناکامی راس نظام در خاورمیانه بزرگ، حتمیت بخشد. ناظمی - اسفند ۱۳۹۲

منابع و مأخذ

- ۱ - تام میر، "صهیونیزم، امپریالیسم و سوسیالیسم" در مجله 'مانتنلی ریویو'، سال ۶۵، شماره ۶ نوامبر ۲۰۱۳.
 - ۲ - موشه مش اور، "اسرائیلی ها و فلسطینی ها: تلاقی و راه حل"، شیکاگو، ۲۰۱۲
 - ۳ - امانوئل والرشتاین، "برندگان و بازندهای در بن بست اسرائیل - فلسطین"، ۱۵ اوت ۲۰۱۱
 - ۴ - آرتور هرتزبرگ "اندیشه صهیونیستی: مجموع مقالات از فلاسفه و حامیان ایدئولوژی و جنبش صهیونیسم" ۱۹۶۹،
 - ۵ - حاتم حسینی، "به سوی صلح در فلسطین"، چاپ دوم، واشنگتن، ۱۹۷۶.
- اسرائیل به کلی بعید و ناممکن است.
- امروزه دل بستن و امیدواری به امر ایجاد دولت مستقل اسرائیل و فلسطین در کنار هم به یک موضع موہومی تبدیل گشته است. اگر روزگاری در گذشته های حتی نه چندان دور پروره ایجاد دو ملت - دولت مستقل در کنار هم در خاک فلسطین یک امر مناسب و عملی و شدنی به نظر می رسید، امروز در پرتو اوضاع رو به رشد در منطقه و جهان پیاده کردن آن پروره دیگر عملی و قابل اجرا نیست. به کلامی دیگر، حامیان و مبلغین ایجاد دو ملت - دولت مجزا و مستقل در کنار هم در "انتظار کرامت" کاخ سفید و دیگر کاخ نشین هایی نشسته اند که ساکنان آنها یا نمی خواهند و یا نمی توانند از فرامین اولیگوپولی های مالی - نظامی که خواهان تبدیل فلسطین به بنتوستان های وابسته به شهرک های اسرائیلی هستند، سرپیچی کنند.
- در تحت این شرایط که فلسطین به دو بخش مجزا نه فقط به طور فیزیکی و جغرافیائی بلکه سیاسی و دموکرافیکی تقسیم گشته است، آیا آلتراتیوی برای رهائی و بقای مردم فلسطین به عنوان یک دولت - ملت واحد وجود دارد؟ به نظر این نگارنده تنها راهی که برای جلوگیری از تجزیه و بالکانیزاسیون و بنتوستان سازی اراضی فلسطین باقی می ماند تشدید پروسه رهائی بخش سکولار و دموکراتیک در جهت صهیونیست زدائی از سوی خود مردمان فلسطین و اسرائیل است. بروز بحران عمیق ساختاری در درون نظام جهانی و اشتعال خیزش های مردم به ستوه آمده در سراسر جهان برای بار دیگر این فرصت گرانبهای را در اختیار نیروهای سکولار و ضد فاندامنتالیسم در میان مردمان فلسطین اشغال شده و اسرائیلی ها قرار داده که با ایجاد یک جبهه متحد سکولار و دموکراتیک (صهیونیست زدائی و ضد بنیادگرایی اسلامی) راس نظام و شرکاء و متحدین آن (عربستان سعودی، قطر و اسرائیل) را وادار به عقب نشینی کرده و شرایط عینی و عوامل ذهنی را به نفع استقرار یک کشور آپارتاید زدا و مستقل بوجود آورند در این کارزار طولانی و پر پیچ و خم باید به دو امر استراتژیکی توجه فوق العاده کرد.
- یکم اینکه در این پروسه کارزار نیروهای رهائی بخش باید سیاست ها و روش هایی تعییه کنند که توده های مردمی در جریان نبرد علیه صهیونیسم به عنوان یک فاندامنتالیسم دینی یهودیت به دام فاندامنتالیسم دینی اسلامی در نه غلطند.
- دو اینکه برای هم مردم کشور اسرائیل و



اخلال شیوه تفکر... بقیه از صفحه آخر

پیشرو پرولتاریا جا داده بودند در این صفحه رواج داده شد و اتفاقهای فکری بورژوازی امپریالیستی با تمام قوا به تبلیغ و تکثیر این نظرات پرداختند.

نتیجه این اخلالها در عرصه‌ی سازمان یابی کمونیستها از جمله در ایران امروز این است که مدعیان کمونیست حاضر نیستند براساس "اصول کمونیسم علمی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک" باهم متحده و اختلاف نظرها را در درون یک تشکیلات حزبی و براساس اجرای مرکزیت - دموکراتیک پیش ببرند. حاصل این امتناع از رهنماههای کمونیسم علمی منجر به تفرقه وسیعی در درون جنبش چپ مدعی مدافع طبقه کارگر در ایران شده است. و این علارغم این که کارگران آگاه کمونیست از زیر اختناق رژیم به غایت مرتاج و سرکوب گر ایران فریاد می‌زنند که باید حزب ایجادکرد و هیچ یک از احزاب و سازمانهای موجود رانیز به عنوان حزب طبقه کارگر به حق نیزیرفتنه اند، چون که چنین تفرقه‌ای خلاف دیدگاه مادی و عمل جمعی کارگران است.

با وجودی که کمونیسم علمی از ابتدا پاشاری را روی تلاش "برای تغییرجهان و نه صرفا تفسیر آن" گذاشت، امروز مفسران چپ در ایران در کلیه سطوح ایده بولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی، سیک کاری، برخورد به حوادث تاریخی و غیره، به محض این که مسئله "چه بایدکرد؟" برای تغییرپیش می‌آید، تا آنای که ممکن است حرفاهی برای زدن داشته باشند از بیان آن امتناع می‌کنند، آن هم به بهانه‌ی بغرنجی اوضاع ایران! گوئی تحلیل ماتریالیستی - دیالکتیکی اوضاع قادر به شناخت و جواب صریح دادن به "چه بایدکرد؟" نیست!

چه عواملی چنین کرخی را در یافتن راه حل مبارزاتی علمی و صریح در عمل به وجود آورده اند؟

۱- ۲۵۰۰ سال سلطنت استبدادی مطلق و ۱۰۰ سال تلاش برای برقراری ارزش‌های بورژوازی چنان نفوذی در میان طبقات حاکم فوئدال و بورژوا یافته که اعمال دیکتاتوری عربیان به امر مسلم حاکمان تبدیل شده است. مسلمان در شرایط فقدان دموکراسی بورژوازی و جرم بودن ادبیات کارگری و کلا پائین بودن سطح فرهنگی طبقه کارگر، یکی از عوامل جدی پائین بودن سطح درک تئوریک پیشروان طبقه کارگر شده است. به ویژه این که ناشی از رشد اندک صنایع پیش رفته،

انرژی و موقعیت نظامی مهم در بین سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا فراهم می‌سازد از تمامی امکانات مادی و معنوی اش برای متفرق نگه داشتن توده‌های مردم و کشاندن آنها به بی راهه‌های مذهبی و ملی و غیره استفاده برده و در تضییف جنبش کارگری و کمونیستی متشکل و پیشرو پیوسته می‌کوشد. درک نکات فوق مشکل نیست و هر فردی‌سیاسی به راحتی می‌تواند این واقعیات را در عرصه‌ی ایران مشاهده کند. بنابراین خواست ما از کلیه نیروهای سیاسی چپ این است که با صراحة تمام در سمینارها، در رسانه‌های عمومی شان و غیره به این نکات برخورد کرده و اگر تشخیص به درست بودن آنها دادند بیان کرده و اگر این ارزیابی را نادرست می‌دانند به نقدان پردازند تا از طریق مبارزه ایده بولوژیک سالم جنبش چپ ایران گام پیش بگذارد.

بی توجهی و نادیده گرفتن این خواست که چیزی جز فریاد کارگران سر بلند پیشرو نیست نشان خواهد داد که چنین چپ هنوز قادر نشده است خود را ازیر بار ایده بولوژی خرده بورژوازی رها ساخته و نتیجه اش نیز چیزی جز بی اعتمادی طبقه کارگر نسبت به خود را به بارنخواهد آورد.

بنابراین "چه بایدکرد؟" در ایران روش است. اما آن چه که موجود نیست عزم جزم تحقق آن است و نتیجه اش این خواهد شد: "علم بی عمل، مثل شاخ بی ثمر است!". در چنین شرایطی عناصر آگاه کارگری باید گام پیش گذاشته و مغضّل تشكیل یابی سیاسی خود را حل کنند و در انتظار معجزه‌ای از جنبش چپ تحت نفوذ شیوه تفکر خرده بورژوازی کرخت شده ننشینند.

ک ابراهیم - ۱۹ اسفند ۱۳۹۲



جز نوشته‌هایی که با امضای تحریریه منتشر

می گردد و

بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران
می باشد، دیگر نوشته‌های مندرج در نشریه رنجبر به امضاهای فردی است و مسئولیت آنها با نویسنده‌گانشان می باشد.

رشد جنبش کمونیستی باطرد شیوه تفکر خرده بورژوازی عجین است!

در جنبش جهانی کمونیستی

در حالی که رفرمیسم در جنبش خود به خودی طبقه کارگر و در جنبش اتحادیه ای شایع تر است، رویزیونیسم، ایده نولوژی بورژوازی در لفاظه ای «مارکسیستی - لینینستی» و «سوسیالیستی» به کار انحرافی به ویژه در جنبش انقلابی طبقه کارگر می پردازد. ماهیت مشترک آنها، جای گزین کردن انقلاب با تکامل تدریجی است.

لینین در اثرش «مارکسیسم و رویزیونیسم» «محتوای ایده آل» رویزیونیسم بر ششتن، کائوتسکی و شرکاء در ابتدای قرن بیستم را تشخیص داد:

در اشکال بسیار متنوع سرمایه ای انحصاری به نسبت نیاز هایش دست به استفاده از انواع ایده نولوژی شووینیستی، میلیتاریستی و فاشیستی به صورت کاملاً آشکار ارتجاعی، یا به صورت پوشیده ارتجاعی، ایده نولوژی لیبرالی با شکل های رفرمیسم سوسیال دموکراتی و رویزیونیستی می زند. سرمایه های انحصاری رو شهای لیبرالی تاثیرگذاری روی توده ها و اعمال سلطه گری ایده نولوژیکی را ترجیح می دهد. رفرمیسم و رویزیونیسم دو ایده نولوژی عده شایع بورژوازی در جنبش کارگری می باشد.

فصل ۲. طرز تفکر خرد - بورژوازی و اثرا تباہ کننده آن در جنبش طبقه کارگر
۳. رفرمیسم و رویزیونیسم دوشکل اصلی شیوه تفکر خرد - بورژوازی در جنبش طبقه کارگر
به نقل از کتاب : مبارزه بر سر شیوه تفکر در جنبش طبقه کارگر -

استفن انگل - ۱۹۹۵

ایده نولوژی بورژوازی یک تئوری خودکفا نیست، بلکه انعکاسی است از دونوع سلطه - نیرو و آگاهی اجتماعی - و ارتباط بین آنها،

ناکامی راس نظام در حل مسئله فلسطین به نفع صهیونیسم

و رقبای نوظور (در حال عروج) خود به ویژه چین ، استفاده کند .

- طراحان پروره جهانی آمریکا به تعدادی از کشورهای خاورمیانه کنونی که به نام کشورهای "جلو جبهه" معروف شده اند ، مقام ویژه ای در محاسبات نظامی و مالی خود قائل هستند. نبود یک "بدیل متحد " ضد نظام چه در سطح ملی - کشوری و چه در سطح منطقه به آمریکا به عنوان سرکرده "امپراطوری آشوب" نظام سرمایه داری در دوره بعد از "جنگ سرد" فرصت داده که با

جديد را به عنوان استراتژیک ترین منطقه ژئوپولیتیکی در جهان انتخاب کرده اند . چون خاورمیانه بزرگ کنونی که شامل کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیز می شود همراه با پاکستان و افغانستان از یک سو و مصر و لیبی از سوی دیگر در چهار راه "جهان قدیم" (آفریقا ، آسیا و اروپا) ، قرار دارد. در نتیجه برای آمریکا آسان تر خواهد بود که بعد از اعمال هژمونی کامل نقی خود بر آن به ویژه جناح با نفوذ نومحافظه کاران در ارکان دولت آمریکا ، خاورمیانه بزرگ و یا

- پروره جهانی آمریکا (ایجاد و تامین "نظم نوین" در سطح جهان از طریق سلطه نظامی بر سراسر کره خاکی) که به درجات متغیر و گوناگون از طرف "شرکاء" و متحدهن راس نظام حمایت می شود ، توسط تحلیلگران منجمله مارکسیست ها به ویژه در دوره بعد از پایان "جنگ سرد" مورد بررسی قرار گرفته است . این بررسی ها نشان می دهد که در پیشبرد این برنامه جهانی ، معماران آن به ویژه جناح با نفوذ نومحافظه کاران در ارکان دولت آمریکا ، خاورمیانه بزرگ و یا

اخلاص شیوه تفکر خرد بورژوازی در جنبش کارگر!

پرولتاریا در سازماندهی و پیشبرد امر انقلاب را ترسیم نمود. اما ضربه سختی که جنبش کمونیستی جهان از رویزیونیسم مدرن خوشچفت و سه جهانی تنگ سیائو پینگی خورد، به چنان نشت نظری و سازمانی چارشده که به زیر علامت سؤال بردن احکام اثبات شده انقلاب پرولتاریائی در عمل به وسیله روشن فکران چیزی که با ایده نولوژی خرد بورژوازی خود را در صفحه انقلابی

ثوری انقلابی طبقه کارگر نیز چیزی جز کمونیسم علمی نیست که بنایه خصلت رشدیابنده اش در رابطه تنگاتنگی با پر اتیک انقلابی طبقه کارگر قرارداد و با پیروزی دو انقلاب بزرگ اکتبر ۱۹۱۷ و ۱۹۴۹ در روسیه و در چین تحت رهبری دو حزب کبیر کمونیست و در مبارزه ایده نولوژیک جهانی با رویزیونیسم کهن سوسیال - دموکراتی و رویزیونیسم مدرن در قدرت دولتی به رشد خود ادامه داد و خطوط عده حرکت انقلابی

اولین مسئله ای که دربرابر هر طبقه ای برای دفاع یا کسب حقوق خوبیش در مقابله با طبقات اجتماعی متضادش قرار می گیرد، "چه باید کرد؟" است. این معضل در بیش از ۱۶۰ سال اخیر در رابطه با طبقه کارگر جواب دقیق دیالکتیکی اش را در عمل یافته که به طور خلاصه ای در رهنمود زیر کمونیسم علمی خلاصه شده است: "بدون تئوری انقلابی، جنبش انقلابی به وجود نمی آید".

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:

WWW.ranjbaran.org